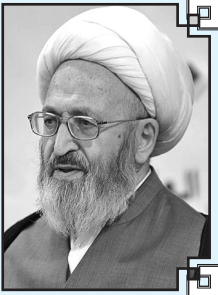


«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

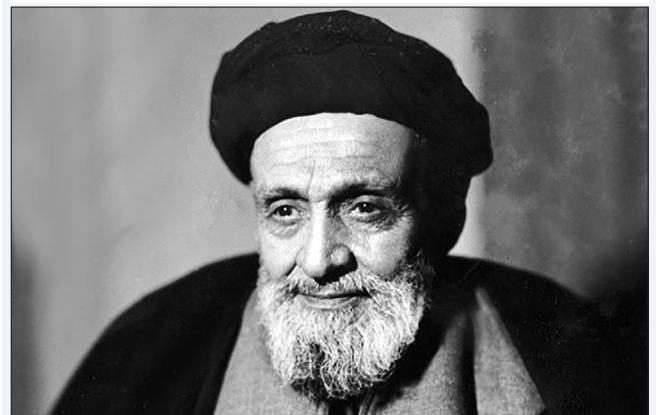


حضرت آیت الله سبحانی:
اسلامی کردن
علوم انسانی به
معنای کنار گذاشتن
اندیشمندان
جهان نیست



سال سی و هشتم ♦ شماره ۱۰ ♦ شماره مسلسل ۱۵۵۲ ♦ نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

آیت الله کاشانی و حادثه ۲۸ مرداد
آمریکایی ها می خواستند
به آیت الله بروجردی! پول بدهند
موضع حزب توده ... داوری های منصفانه



در پنجشنبه اول تیرماه ۱۳۹۶، گزارش های مشروح اداره روابط خارجی وزارت امور خارجه آمریکا که زیر نظر «جیمز سی کوک» و «آدام هوارد» تدوین شده است، در بالغ بر هزار صفحه منتشر گردید که دربرگیرنده ۳۷۵ قطعه گزارش مرتبط با حوادث سال های ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۴ میلادی است که شامل وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز می‌گردد. انتشار این گزارش ها تحت عنوان: «استاد»؟ از طرف دولت آمریکا، پس از تعلل و خودداری سالیانی دراز، و با حذف بسیاری از گزارش هایی که گویا به «صلاح» نبوده است، بی تردید تلاشی برای ایجاد چند قطبی در جامعه ایرانی و یا حتی برپایی نوعی آشوب سیاسی در داخل کشور بود و متأسفانه آمریکایی ها، با واکنش ها و اقدامات نابخردانه بعضی از مدعیان «اصلاح طلبی»! به هدف خود نزدیک شدند، به ویژه که این دوستان، حتی قبل از مطالعه و بررسی مطالب درج شده در یک کتاب حدود هزار صفحه ای، به آغاز حملات بی شرمانه بر ضد آیت الله کاشانی پرداخته و حتی خواستار حذف نام آیت الله کاشانی از یک خیابان و حذف نام شهید شیخ فضل الله نوری، از خیابانی دیگر شدند!

البته همزمان یک فیلم دو دقیقه ای ساخته «سیا» هم در شبکه های مجازی این دوستان پخش شد که گویا آیت الله کاشانی، تیمسار! زاهدی، دکتر بقایی و حسین مکی در حال بازدید از منزل تخریب شده دکتر مصدق در روز ۲۸ مرداد بوده اند! در حالی که این فیلم به اصطلاح نادر! که توسط سازمان «سیا» منتشر گشته و توسط دوستان ما در ایران تکثیر و پخش شده، از اساس مجعول و ساختگی و نوعی «فتوشاپ» است و دلیل روشن آن اینست که اولاً آیت الله کاشانی در روز ۲۸ مرداد در منزل داماد خود مرحوم گرمی در «دزاشیب» اطراف تهران بوده و ثانیاً دکتر بقایی هم در زندان آقای دکتر مصدق بازداشت به سر می برد و تیمسار! زاهدی هم هنوز از مخفیگاه خود بیرون نیامده بود که به گشت و گذار در شهر تهران بپردازد...

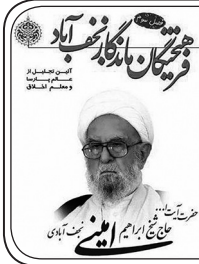
در یکی از این گزارش های آمریکایی ها ادعا شده که گویا آیت الله کاشانی با حزب توده همکاری داشته و حزب چون خود توانایی کودتا بر ضد دولت را نداشته، آیت الله کاشانی را تقویت می کرده تا وی به قدرت برسد... و در همین گزارش «آیت الله کاشانی یک رهبر اسلامی بلندپرواز» خوانده شده که مواضع سرسختانه ای در موضوع نفت دارد: «... سرسختی شدید کاشانی در مورد نفت و درخواست های غیر سازشکارانه او برای پایان یافتن همه مداخلات خارجی در ایران، آزادی عمل مصدق را به شدت محدود می کند... حزب توده هم از کاشانی حمایت می کند؛ چون بر این باور است که اگر کاشانی به نخست وزیری برسد، شانس حزب توده برای تسلط به کشور بیشتر خواهد شد!»

در بخش دیگری از همین گزارش آمده است: «اگر کاشانی به قدرت برسد، نتیجه نهایی آن در ایران در قیاس با وضع فعلی، یک وضعیت بدتر برای منافع غرب خواهد بود و او در موضوع نفت سرسخت تر خواهد شد و در برابر نفوذ غربی ها، مقاومت بیشتری خواهد داشت...»

تحلیل این گزارش: همکاری کاشانی با حزب توده، آن هم برای احراز پست «نخست وزیری»! با توجه به موقعیت بالای اجتماعی آیت الله کاشانی و موضع کاملاً منفی ایشان نسبت به حزب توده، می تواند اصالت و صحت محتوای این گزارش و دیگر گزارش ها را هم نشان دهد.

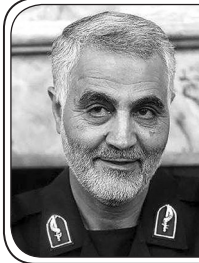
ادامه در صفحه ۴

همایش
تجلیل از معلم
اخلاق آیت الله
«ابراهیم امینی»



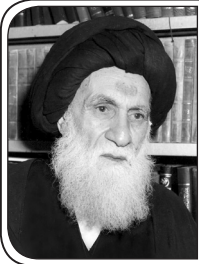
صفحه ۸

سردار سلیمانی:
چرا دائماً از القاب
بی حجاب، باحجاب
اصول گرا یا اصلاح طلب
استفاده می کنید؟



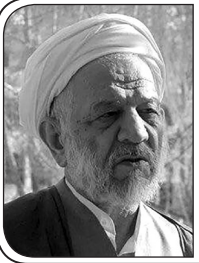
صفحه ۶

یادگارهای
«مرجع مجاهد»



صفحه ۵

آیت الله مروارید؛
عالمی مبارز از
بزرگان خراسان



صفحه ۲

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

نکات قرآنی جدید به تفسیر نمونه اضافه خواهیم کرد

بودم. تا به حال که به سوره ابراهیم رسیده ام، ۲۳۰ نکته جدید پیدا کرده ام.

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: دشمنان وقتی این حرکات قرآنی ما را می بینند، سعی می کنند شبهاتی را نسبت به قرآن کریم تولید کنند که ما باید از این شبهات با خبر باشیم. هرچند دشمنان در واقع اشتباهات خود را در کتابی پیاده می کنند و بی محتوا بودن این کتاب ها مسأله ای روشن است؛ اما باید با این شبهات آشنا باشیم و پاسخ آماده برای آن داشته باشیم چرا که ممکن است با توجه به ویژگی تخریبی شبهات، برخی افراد از آن تأثیر بپذیرند.

وی تأکید کرد: اگر شما مفسران قرآن کریم در پاسخگویی به شبهات آماده باشید، شبهه افکنان زود عقب نشینی می کنند چرا که مسائلی که در قالب شبهات مطرح شده، نکات تازه ای نیست و فقط لباس جدیدی بر تن آن ها پوشانده اند. حضرت آیت الله مکارم شیرازی، مفسران قرآن کریم را به رعایت احترام سایر مذاهب اسلامی توصیه کرد و گفت: ما در تفسیر نمونه در بیان نکات آیات ولایت، حق مطلب را با ادبیاتی مطرح کرده ایم که اهل سنت هم از آن شکایت ندارند و بارها این تفسیر را از ما خواسته اند؛ به گونه ای که فقط ۵۰۰ دوره تفسیر نمونه را برای علمای اهل سنت افغانستان فرستاده ایم.

این مرجع تقلید افزود: بین دو مفهوم «تأثیرگذاری» و «تحریک کنندگی» تفاوت وجود دارد. کسانی که می خواهند از معارف دین دفاع کنند، باید تأثیرگذار باشند؛ نه تحریک کننده. وی ضمن تأکید بر لزوم تفسیر آیات قرآن کریم برای اقشار گوناگون مردم، خاطرنشان کرد: قرآن کریم این کتاب را «نذیر للبشر» معرفی کرده است؛ یعنی قرآن برای همه انسان ها نازل شده و ما باید نکات آن را برای همه اقشار مردم اعم از گروه های سنی مختلف و جایگاه های متفاوت تفسیر کنیم.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با بیان این که در ترویج معارف قرآنی باید از جدیدترین دستاوردهای جهان استفاده شود، اظهار کرد: ما باید برای اهداف خود از تمام ابزارهای جدید بهره ببریم؛ نه این که گمان کنیم این ابزارها فقط در استخدام دیگران است تا کار تخریبی انجام دهند. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که وقتی به ایشان خبر دادند که سلاح تازه ای در طائف تولید شده است، حضرت دستور دادند که نمونه آن ساخته شود تا برای مسلمانان هم قابل استفاده باشد. ما هم باید همین رویکرد را اتخاذ کنیم.



حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی که این روزها در مشهد مقدس به سر می برد، در دیدار اعضای جامعه تفسیر قرآن خراسان رضوی، توسعه فعالیت های قرآنی را در نظام جمهوری اسلامی بسیار چشمگیر دانست.

این مرجع تقلید اظهار کرد: انقلاب اسلامی ایران از متن و حواشی پیرامون آن تشکیل شده بود که آن حواشی کمتر از متن نیست. متن انقلاب یک حرکت سیاسی برای تغییر نظام حکومتی کشور و جانشین کردن نظام اسلامی بر طاغوت بود اما در حاشیه آن حرکات زیادی اتفاق افتاد که از جمله آن می توان به فعالیت های گسترده قرآنی اشاره کرد. وی افزود: پیش از پیروزی انقلاب اسلامی حافظان و قاریان کشور تعداد معدودی بودند اما امروز حافظان بسیار قوی و قاریان درجه یک بین المللی تربیت شده اند؛ به گونه ای که فراموش نمی کنم که در یک نشست در قم به طور همزمان از ۱۱۰ نفر جوان و نوجوان که حافظ و قاری قرآن بودند، تقدیر کردیم. این حرکت بسیار قابل توجه است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی خاطرنشان کرد: یاد می آید که اگر در زمان طاغوت یک سخنران بیانات خود را با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می کرد، ما خوشحال می شدیم. یعنی قرآن تا این اندازه در کشور ما مهجور واقع شده بود. البته حق قرآن بسیار بیش تر از آن چیزی است که امروز نظام اسلامی محقق کرده است؛ اما واقعا وضعیت فعالیت های قرآنی پس از انقلاب متحول شده است.

این مرجع تقلید با اشاره به این که در گذشته شیعیان را به فاصله داشتن از معارف قرآن و اکتفا به روایات معصومان نسبت می دادند، تصریح کرد: این انتقاد امروز رنگ باخته است و جلسات قرآنی که در کشور ما برگزار می شود، از افتخارات نظام جمهوری اسلامی است.

وی در ادامه به بیان نکاتی پیرامون توصیه و تأکید معصومان (ع) بر لزوم انس شیعیان با قرآن کریم پرداخت و گفت: امیرمؤمنان (ع) در یکی از خطبه های نهج البلاغه می فرماید «هرکس با قرآن مانوس باشد، از همه چیز برخوردار است و هرکس قرآن را نداشته باشد، هیچ چیز دیگری ندارد».

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به نکات و معارف بی نهایت قرآن کریم، خاطرنشان کرد: بنده طی ۱۵ سال تفسیر نمونه را به گونه ای تدوین کردم که مطابق با نیاز زمان قابل استفاده باشد اما اخیراً با مرور آیات قرآن کریم، نکات قرآنی تازه ای به ذهنم می رسد که آن ها را در تفسیر نمونه ذکر نکرده

مصطفی ایزدی

زمان می‌گذرد و رویدادهای کم‌وبیش مهمی را از سر می‌گذرانند. در پیشامدهای بزرگ که حاصل رنج بی‌شمار زنان و مردان روزگار خویش است، چهره‌هایی رخ می‌نمایند که گاهی قدر آنان پاس داشته نمی‌شود و حتی به جای تکریم آنان، علیه‌شان زمینه‌سازی می‌شود. بالاخره شخصیت‌های بزرگی که در شکل‌دهی یا آفرینش یک رخداد بزرگ حضور تعیین‌کننده دارند، پس از بهره‌برداری به اختلاف نظر می‌رسند، این طبیعی است و قرار نیست که همه شخصیت‌ها و چهره‌ها و عناصر مؤثر، برای همیشه، اندیشه واحدی داشته باشند و برداشتشان از حوادث و موضوعات مطروحه، یکسان باشد.

چنین توصیفی از شرایط درون جامعه، هنگام بروز رویدادهای عظیم، منحصر به ایران یا کشورهای جهان سوم نیست؛ بلکه اصولاً در هر کشور کوچک و بزرگی که رقابت قدرت وجود دارد، چه در گذشته چه در حال، جریان حذف و تضعیف، جریان مستمری است؛ بنابراین در این مقدمه، بنا نیست که کسی یا گروهی محکوم شود.

در جریان مبارزات ۲۵ساله روحانیت و مردم ایران که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ شد، علمای زیادی از حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه قم و نیز شخصیت‌های فراوانی از دانشگاه‌ها و مجامع دیگر، حضور فعال داشتند. پیش از پیروزی انقلاب همه دست در دست هم، علیه حاکمیت پهلوی - که حکومتی وابسته، غیراسلامی و بی‌اعتنا به مردم بود- به مبارزه پرداختند. همین همدستی و همدلی و همدنبودن مبارزه، کار رژیم طاغوت را یکسره کرد و به جای آن نظام جمهوری اسلامی ایران را تأسیس کرد.

پس از تشکیل نظام جدید، اختلاف‌نظرهایی که پیش از آن وجود داشت؛ اما به دلیل ضرورت همدلی در مبارزه، بروز پیدا نکرده بود، به مرور مطرح شد.

بعضی اختلاف‌نظرها بر سر رسیدن به قدرت بود، بعضی اختلاف‌نظرها بر سر مبانی فکری انقلاب بود، بعضی به دلیل اختلاف درباره چگونگی اداره جامعه بود. بعضی از اختلافات کوچک را هم دشمنان انقلاب دامن می‌زدند و آن را به بحران تبدیل می‌کردند. همه اینها باعث شد که اندک‌اندک، بعضی از چهره‌های انقلابی گوشه‌نشین شوند یا از سرزبان‌ها بیفتند. در اینجا ضرورت ندارد که از همه این چهره‌ها نام برده شود، تنها اشاره می‌کنم به مرحوم آیت‌الله علی‌اصغر مروارید، از چهره‌های پیشگام مبارزه، اما بی‌نام‌ونشان و مظلوم در دوران پس از انقلاب که چند روز قبل، دنیای فانی را وا گذاشت و به سرای باقی پا گذاشت.

آیت‌الله علی‌اصغر مروارید، یکی از شاگردان و یاران نزدیک به آیت‌الله خمینی در روزهای آغازین نهضت اسلامی و حتی پیش از آن بود.

از درگذشت او چند روزی بیشتر نمی‌گذرد؛ اما رسانه‌ها و مراکز فرهنگی و مقامات سیاسی، در حدی که شایسته او بود، به تجلیل از او نپرداختند؛ بنابراین صاحب این قلم، در سطوری اندک وی را معرفی می‌کند.

علی‌اصغر مروارید فرزند آقا شیخ علی سال ۱۳۰۶ خورشیدی (طبق شناسنامه) در مشهد پای برگیتی نهاد. کودکی و نوجوانی را در جوار بارگاه رضوی گذراند. پس از آنکه در یکی از مکتب‌های

مشهد مختصری درس خواند، وارد حوزه علمیه شد.

ادبیات عرب و مقدمات را نزد ادیب نیشابوری، علی‌اکبر صدری‌زاده اصفهانی، سیداحمد مدرس یزدی، شیخ کاظم دامغانی و شیخ هاشم قزوینی خواند.

آنگاه برای فراگیری علم کلام، در محضر علمای سرشناسی مانند شیخ حسنعلی مروارید، میرزا جواد آقاآهرانی، شیخ مجتبی قزوینی و میرزامهدی اصفهانی، شاگردی کرد.

علی‌اصغر مروارید ۲۵ساله بود که برای افزایش معلومات و دانش حوزوی و اسلامی خود، عزم اقامت در تهران کرد تا از کلاس‌های دروس علمای حوزه پایتخت بهره‌مند شود؛ اما پس از اندکی که از محضر آیت‌الله محمدتقی آملی استفاده کرد، به قم رفت و در آن شهر مسکن گزید. وی در حوزه علمیه قم، پای دروس آیت‌الله‌العظمی سیدحسین بروجردی، آیت‌الله سلطانی طباطبایی و آیت‌الله داماد نشست و در زمینه فقه و اصول، دانشمند شد و نیز برای فراگیری فلسفه نزد علامه سیدمحمدحسین طباطبایی رفت و دانش بسیار آموخت.

آیت‌الله مروارید، علاوه بر تحصیل در مدارج عالی علوم اسلامی، با بهره‌مندی از روحیه آزادمنشی و آزادی‌خواهی خود، با دستگاه جبار پهلوی به مبارزه برخاست. او که در درس‌های اخلاق آیت‌الله‌العظمی خمینی نیز شرکت می‌کرد، با این استاد خود، در ارتباط نزدیک قرار گرفت؛ چراکه پیش از شروع نهضت اسلامی، با سخنرانی‌های آتشین خود، درباره پهلوی را به چالش می‌کشید و همین امر برای آیت‌الله خمینی، خوشایند بود و او را مستعد موفقیت‌های بزرگ می‌دید، فعالیت مبارزاتی و تبلیغاتی آیت‌الله علی‌اصغر مروارید علیه ستم حاکم، از سال ۱۳۳۷ آغاز شده بود؛ به‌همین دلیل مورد توجه رهبری نهضت قرار گرفت و همیشه و همه جا مورد احترام استاد خود بود. مرحوم اسماعیل فردوسی‌پور نقل کرده که: «در سال ۱۳۳۹، حدود ۴۰ نفر از فضایی مشهد همراه استاد خودشان علامه شیخ مجتبی قزوینی برای دیدار با آیت‌الله خمینی، عازم قم شدند. در قم پس از زیارت حضرت معصومه (س)، به دیدار آیت‌الله رفتند. در منزل ایشان، پس از احوالپرسی معمولی، ذکر مصیبت شد. پیش از اینکه میهمانان منزل امام خمینی را ترک کنند، امام از آقای علی‌اصغر مروارید خواست که از حضار تشکر کند». (نقل مضمون از پایگاه اطلاع‌رسانی الهی‌خراسانی) این خاطره گویای این واقعیت است که او لا محرم مروارید به امام خمینی خیلی نزدیک بوده و ثانیاً می‌دانسته که وی با بیان خوبی که دارد، از عهده صحبت‌کردن در حضور علامه قزوینی برمی‌آید. با آغاز نهضت امام خمینی، از اولین کسانی که در راه اهداف نهضت پا به میدان گذاشت، علی‌اصغر مروارید بود. وی با سخنرانی‌های قوی و خطابه‌های آتشین، به هر مناسبتی از نهضت و رهبری آن دفاع می‌کرد. بعضی از سخنرانی‌های ایشان به دستور امام بود و بنابراین عده‌ای او را سخنگوی آیت‌الله خمینی می‌دانستند. فعالیت‌های گسترده این عالم دینی باعث شد که در ۱۵ سال مبارزات اسلامی، بارها به وسیله ساواک دستگیر و روانه زندان شود. مدتی نیز در شهرهای بدآب و هوا، به صورت تبعید به‌سربرد. از خاطرات اطرافیان و نزدیکان مرحوم مروارید چنین برمی‌آید که هنگام ضرورت، خود را شجاعانه به صحنه می‌آورد و وظیفه خود را به خوبی دنبال می‌کرد. گویند در آغازین سال‌های مبارزه، پیش از یکی از سخنرانی‌های مهم امام خمینی، تعداد زیادی از مأموران رژیم پهلوی، با صلوات‌های مکرر، نمی‌خواستند امام سخنرانی کند. چند نفر از وعاظ به ترتیب برای جمع حاضر

آیت الله مروارید؛ عالمی مبارز از بزرگان خراسان

«آیت‌الله مروارید شجاعت و خودباوری را از امام فراگرفته بود و در راه نهضت امام خمینی زندان‌ها رفت و شکنجه‌ها دید تا شمع انقلاب را روشن نگاه دارد. آیت‌الله مروارید کسی بود که در سال ۴۲ منبر رفت و پس از سخنرانی امام در مدرسه فیضیه ایشان سخنرانی امام را به اتمام رساند. این مرد بزرگ در ۱۵ سال تبعید امام، در زندان یا تبعید گذراند. تاریخ انقلاب اسلامی، هیچ‌گاه خطاها را آیت‌الله مروارید در میدان آزادی تهران در سال ۱۳۵۷ را که برای بازگشایی فرودگاه به دولت بختیار داد فراموش نکرده است». (سایت خبرآنلاین) از مرحوم آیت‌الله مروارید، علاوه بر شاگردان دانشمند و نامی نیک و پرافتخار در تاریخ معاصر ایران، آثار پژوهشی فاخری به یادگار مانده است. این آثار علمی ارزشمند عبارت‌اند از: ۱- یک دوره ۴۰ جلدی فقه اهل تشیع به نام «سلسله الینایع الفقیه». ۲- یک دوره ۴۰ جلدی فقه اهل سنت به نام «المصا‌دیر الفقیه». هر دو دوره فقهی مذکور را با کتاب المفتاح الکرامه تجمیع و به شکل لبواب مختلف فقهی چاپ کردند که یک دوره ۱۱۰ جلدی فقه شیعه و سنی است. با امید به اینکه بزرگان انقلاب اسلامی در زمان حیاتشان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند، به روان پاک این عالم مجاهد درود می‌فرستیم.

پیام تسلیت رهبر انقلاب و رئیس جمهوری به مناسبت درگذشت آیت الله مروارید

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت خطیب مجاهد مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی اصغر مروارید را تسلیت گفتند.

متن پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت خطیب مجاهد مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی اصغر مروارید رحمة الله علیه را به خاندان و بازماندگان محترم تسلیت عرض می‌کنم. ایشان از مبارزان قدیمی نهضت اسلامی و از یاوران صادق امام راحل در نخستین سالهای مبارزات بود و دست‌اندرکاران نهضت خاطره‌ی سخنرانی‌های پرشور ایشان را از یاد نمی‌برند. رحمت و غفران الهی بر ایشان باد.

سید علی خامنه‌ای
۱۷ مرداد ۹۶

رئیس جمهور نیز در پیامی درگذشت آیت الله حاج علی اصغر مروارید، از مبارزان و پیشگامان نهضت امام خمینی(ره) را تسلیت گفت.

متن پیام آقای روحانی به شرح زیر است:

بسمه تعالی

انا الله و انا الیه راجعون

درگذشت عالم پرهیزگار حضرت آیت الله حاج علی اصغر مروارید از مبارزان و پیشگامان پرتلاش نهضت امام خمینی(ره)، موجب تالم و تاثر خاطر شد.

این عالم مجاهد در مقاطع سرنوشت ساز انقلاب اسلامی با تحمل سختی های فراوان، همواره حضوری آگاهانه و نقش آفرین داشت و برای تثبیت نظام و ترویج آرمان های اسلامی، از هیچ کوششی دریغ نکرد و کارنامه پر افتخاری از خود برجا گذاشت.

اینجانب این ضایعه را محضر مقام معظم رهبری، علمای اعلام، حوزه های علمیه و بیت مکرّم آن مرحوم تسلیت می گویم و برای آن مرحوم غفران واسعه الهی و همجواری با ائمه معصومین(ع) و برای عموم بازماندگان محترم صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسالت دارم.

حسن روحانی
رئیس جمهوری اسلامی ایران

آموخته یا تحت تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بوده باشد، می‌شنود. اساتیدی که نظریه فروید و امثال آن را مطرح می‌کنند حتماً باید آنها را مورد نقد و بررسی قرار دهند.

۳. در قلمرو اقتصاد هم هنوز دو نظریه به صورت قضیه منفصله مطرح است: گروهی سود را نتیجه سرمایه دانسته و برای عامل فعال سهمی قایل نبوده و یا سهمی کمتر؛ اما در مقابل آن، نظریه عامل و کارگر مطرح بوده که درآمد و سرمایه مال عامل و کارگر است. نظریه نخست از آن نظریه سرمایه‌داری و نظریه دیگر از آن سوسیالیسم است. در حالی که اسلام برای هر دو نقشی در ثروت آفرینی قایل است و تصویب مضاربه و مزارعه گواهی بر این مطلب است. البته ما این مثال‌ها را به عنوان تقریب به ذهن می‌گوییم والا مسأله عمیق‌تر از این‌هاست.

در پایان از مسئولین محترم به ویژه ریاست جمهوری، شورای انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات فناوری، شورای تحول علوم انسانی، و اساتید متعدد دانشگاه‌ها درخواست می‌شود نسبت به این موضوع عنایت بیشتری داشته باشند حتی می‌توانند برای تحقق این ایده از اساتید حوزه و عالمان بزرگ که در این رشته‌ها نظریات دارند، بهره‌مند گردند. در پایان از این که وقت گرانقدر خود را صرف پاسخ به این مسأله نموده‌اید تشکر و قدردانی می‌نمایم.

حضرت آیت الله سبحانی:

اسلامی کردن علوم انسانی به معنای کنار گذاشتن اندیشمندان جهان نیست

ملت و استقلال کشور تأمین می‌گردد. در نتیجه آنان الگویی برای همه دانشگاه‌ها خواهند بود. اما در بخش دوم یعنی اسلامی شدن علوم انسانی اسلامی کردن علوم انسانی، البته به این معنا نیست که تمام اندیشه‌ها و نظریات اندیشمندان جهان کنار گذاشته و درهای کشور را به روی خود ببندیم و فقط از مدارک اسلامی مسائل علوم انسانی را استخراج نماییم و یک چنین تفسیری کاملاً خطا و مقصود مدافعان این نظر، چنین نیست.

بلکه هدف این است که ضمن بهره‌گیری از افکار و نظریات دانشمندان جهان در تمام قلمروهای علوم انسانی اعم از مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دیگر مسائل فلسفی و اخلاقی و اعتقادی، اگر نظریه‌ای صد درصد با اصول و مبانی و نظریات مسلم دینی مخالف بود، مورد نقادی قرار گیرد. البته بدون نقد نباید جزء مواد درسی دانشگاه قرار داده شوند. اگر ناگزیر از طرح آن هستیم باید استاد مربوطه آن چنان توانایی داشته باشد که بعد از طرح و بررسی آن به نقد آن بپردازد. در غیر این صورت طرح چنین نظریاتی بدون نقد، مطلوب اسلام نیست، و جامعه دینی نیز از دانشگاه‌ها می‌خواهند که ذهن جوانان را انباشته از این نظریات نادرست و مخالف اسلام نکنند. و اگر هم باید طرح شود همراه نقد و بررسی صورت گیرد و نیز در کنار این نظریات باید، نظریات صحیح که بر اساس مبانی دینی مسلم استوار است مطرح گردد.

پس از انتشار برخی مقالات و نامه‌ها در مخالفت با اسلامی کردن علوم انسانی، دکتر محمدرضایی، استاد فلسفه دین دانشگاه تهران این مسأله را با مرجع عالی قدر حضرت آیت الله سبحانی در میان گذاشته و معظم له دیدگاه خود را در این زمینه بیان کرده‌اند.

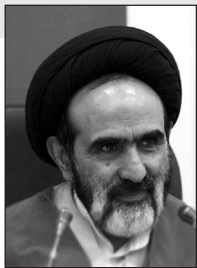
حضرت استاد، اخیراً دیدگاه‌هایی در باب مخالفت با اسلامی شدن دانشگاه‌ها و علوم انسانی منتشر شده است. خواهشمند است نظر خود را در این باره اعلام فرمایید.

پاسخ: با عرض تشکر از عنایات جنابعالی نسبت به مسائل دینی و فرهنگی.

اما در مورد اسلامی شدن دانشگاه‌ها: اسلامی شدن دانشگاه‌ها را حضرت امام (قدس سره) مطرح کردند. مقصود این است که ارزشهای اسلامی در محیط دانشگاه در ابعاد مختلف آن حاکم باشد. محیط دانشگاه، یک محیط علمی و دینی شود. خدای ناکرده، شرایط حاکم بر دانشگاه‌ها، مخالف ضوابط اسلامی نباشد. زیرا هدف از تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، تربیت انسان‌های الهی است. هدف از بعثت پیامبر مکرّم اسلام (ص) اكمال فضایل و مكارم اخلاق است. و در قرآن می‌خوانیم اقرا باسم ربك علم و آموزش باید جهت‌دار باشد و جهت آن اسم رب و توجه به خداوند متعال است. مسلماً اگر فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، افراد عالم، متدین و متعهد و در خدمت اسلام و مسلمانان باشند، در آن صورت هم خود به سعادت می‌رسند و هم سعادت

حجت الاسلام والمسلمین ربانی مطرح کرد:

روحانیت مظلوم‌ترین و محروم‌ترین قشر جامعه



باشند و یکی از آن‌ها طلبه محسوب می‌شود که حدود ۱۳ سال راه اندازی شده است، ما

در یک محدودیت جدی هستیم که چگونه مردم حقیقت را باور و لمس کنند و اگر خدمتی ارائه می‌شود نتیجه عکس ندهد و تلقی دیگر نشود.

وی افزود: بنای ما بر این است که مرکز خدمات کمیته امداد حوزه نباشد بلکه این مرکز به صورت هدفمند در راستای اهداف حوزه فعالیت کند، مرکز خدمات مجموعه‌ای برای پشتیبانی از رسالت و مأموریت حوزه است، ما نیامدیم صنف را حمایت کنیم که هرکس عمامه به سر دارد باید حمایت شود، مأموریت ما حمایت از صنف روحانیت نیست بلکه حمایت از اهداف و اصل مأموریت است.

رییس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه با بیان این که خدمات مرکز باید هدفمند به اهداف حوزه شود، اظهار داشت: هرکس نقش او در رسالت حوزه بیشتر باشد باید بیشتر حمایت شود و هرکس نقش کمتری دارد طبیعتاً کمتر حمایت می‌شود، بر همین اساس تلاش ما این است که به مقدار تأثیرگذاری در حوزه فرهنگ و انجام مأموریت حوزه، به طلاب و روحانیت خدمت شود.

وی ادامه داد: روحانیان در این زمینه باید طبقه بندی شوند، اساتید که ستون فقرات حوزه هستند با طلبی که تازه می‌آیند وضع متفاوتی دارند پس باید از خدمات بیشتری هم بهره‌مند شوند، یک طلبه مستعد و ممتاز باید با طلبه غیر ممتاز فرق داشته باشند، برخی از طلاب ۳۰ سال در حوزه هستند که هر روز از خانه تا مدرسه فیضیه می‌روند اما طلبی هم داریم که با فداکاری و اخلاص در روستاها و مناطق محروم زحمت می‌کشند که نباید یکسان باشد.

آقای ربانی با بیان این که خدمات باید متناسب با طبقات هدفمند شوند، ابراز داشت: برای ما طلاب ممتاز متفاوت هستند و طلاب را طبقه بندی کردیم و اساتید و مناطق محروم نیز این گونه هستند.

برای روشنی مطلب، چند مثال را مطرح می‌نمایم: ۱. در مسأله انسان شناسی و در موضوعات مختلف هنوز مسأله تکامل انواع و اشتقاق انسان از حیوان به نحوی که داروینسم تشریح می‌کند، در دروس دانشگاهی تدریس می‌شود. البته بعد از آن، نظریات دیگری مطرح شده است. آیا تدریس این موضوعات بدون نقد و بررسی صحیح است؟ آیا صحیح است که این نظریات ثابت نشده را به اسم «علم بما هو علم» به ذهن دانشجویان تحمیل کنیم. البته مقصود کنار گذاشتن این نظریه از موارد درسی نیست بلکه طرح این نظریه همراه با نقد و بررسی آن می‌باشد. در ضمن باید دیدگاه صحیح اسلامی را نیز در کنار آن مطرح نماییم تا دانشجویان با دیدگاه‌های اسلامی نیز آشنا شوند نه این که یک جنبه فقط همان‌ها را به عنوان دروس دانشگاهی مطرح نماییم.

۲. در باب خاستگاه ایمان و اعتقاد به ماوراء طبیعت، برخی از روانشناسان و جامعه‌شناسان بر مبنای اصول ماتریالیسم، فرضیاتی مطرح نموده‌اند که به هیچ وجه صحیح نیست به عنوان نمونه نظریه فروید است که بر مبنای غریزه جنسی، تمایلات انسان به امور ماوراء طبیعت را توجیه می‌کند و حال آن که فلسفه اسلامی برای ریشه‌یابی این موضوع بر نظریه فطرت تأکید می‌نماید که دلایل کافی و وافی در این مسأله وجود دارد. یعنی ندایی که انسان آنرا از درون بدون آن که از آموزگاری

بقیه هم حضور دارند اما محور اصلی دفاع و تبیین دین روحانیت و علمای دین هستند، ببینید در این جنگ نابرابر طلبه در چه وضعیتی زندگی می‌کند، اگر لطف خداوند نباشد باید بگوییم شکست است.

وی ادامه داد: ضعف برنامه ریزی در حوزه و ضعف‌های دیگر جای خود دارد، اما این که طلبه نتواند حداقل معیشت خود را تأمین کند تا سرباز این فرهنگ و مقابله با تهاجم فرهنگی باشد وضعیت بسیار تأسف بار است، در یک شهر کوچک دانشگاه پیام نور، آزاد و دانشگاه‌های دیگر دارد که ورودی آن‌ها به صورت متوسط کمتر از هزار نفر نیست اما مدرسه علمیه آن شهر چند طلبه می‌پذیرند و نسبت این طلبه‌ها با آن دانشجویان چقدر است، واقعا ما خیلی فاصله داریم.

آقای ربانی با بیان این که تقریباً به صورت متوسط سالانه یک میلیون نفر وارد دانشگاه‌ها می‌شوند، ابراز داشت: کل حوزه‌های کشور از خاوه‌رو برادر آ یا به ۲۰ هزار ورودی می‌رسد و بعد چقدر ریزش می‌کند، وقتی انسان این معادله و نسبت را می‌بیند بسیار متأسف می‌شود، یک بخش کار این است که حداقل معیشت طلبه تأمین شود اما نمی‌شود.

وی عنوان کرد: مرکز خدمات به امر رهبر معظم انقلاب تأسیس شد تا بتواند حداقل‌ها و ضرورت‌ها را بتواند تأمین کند و کمک در زمینه بیمه و تأمین اجتماعی داشته باشد تا فشار زندگی بر طلبه کمتر شود.

رییس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه خاطرنشان کرد: مراجع دیگر هم زحمت کشیدند، مرحوم آیت الله بروجردی و آیت الله عبدالکریم حائری در زمان خود و متناسب با شرایط فعالیت کردند اما این فعالیت کجا و آن‌ها کجا که با این عده و غده نبوده است، این یک عنایت الهی برای حفظ روحانیت است که سرباز و افسر جبهه مقابل با تهاجم علیه مکتب تشیع و قانون اصلی تأثیرگذاری هستند.

حجت الاسلام والمسلمین ربانی با بیان این که طلاب همانند بقیه شهروندان ایرانی هستند، گفت: شهروندان ایرانی باید تأمین اجتماعی داشته

کسانی که شاغل و استخدام هستند، بدون مبالغه روحانیت مظلوم‌ترین و محروم‌ترین قشر جامعه به شمار می‌روند، مردم تصور می‌کنند که نان روحانیت در روغن است.

وی افزود: این تعابیر در حالی است که شهریه مراجعه به صورت متوسط حدود ۵۰۰ هزار تومان است و برای طلبه پایه‌های اول و دوم زیر ۲۵۰ هزار تومان است، اگر تا پایه ۶ هم متأهل شود به ۵۰۰ هزار تومان هم نمی‌رسد و با همین مقدار امرار معاش می‌کند.

رییس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه با بیان این که ۱۰ درصد طلاب و روحانیان شاغل هستند، اظهار داشت: این افراد در منظر مردم هستند و مردم همه را با آن‌ها قیاس می‌کنند و طبقه ۹۰ درصدی روحانیت دیده نمی‌شود، این وضع طلبگی ما آن هم در نظام ولایت فقیه و جمهوری اسلامی است یعنی آن که می‌بایست به اقتضای نظام و حاکمیت این است که طلاب از برخورداری بهتری بهره‌مند باشند اما در جمهوری اسلامی این وضعیت وجود دارد و از طرفی مردم تصویری دیگری دارند، به گونه‌ای که وقتی گفته می‌شود فلان طلبه چنین وضعیتی دارند می‌گویند آخوند‌ها وضع خوبی دارند و بگذارید به دیگران برسد، واقعا متدین هستند اما تصور دیگری دارند.

وی با بیان این که در این بین یکی از ابتکارات و کارهای فوق‌العاده و الهی رهبر معظم انقلاب این بود که مرکز خدمات راه‌اندازی کردند، ادامه داد: بدون تردید اصیل‌ترین و ناب‌ترین کارشناسان دین روحانیت و حوزه‌ها هستند، این افراد هستند که می‌خواهند متون و نصوص دینی را بشناسند و به مردم معرفی کنند.

وی افزود: هیچ دوره‌ای همانند امروز تهاجم علیه تشیع حتی در زمان بنی امیه و بنی عباس مشاهده نشده است، دشمنان بسیار مطالعه کردند و از همه ابزارها از جمله ابزار علمی مانند روانشناسی اجتماعی و ابزار هنر به خوبی استفاده می‌کنند که اثرگذار باشند و این قانون تأثیرگذار بر جهان را خاموش کنند.

رییس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه با بیان این که در این بین انتظار می‌رود که روحانیت به درستی رسالت خود را انجام دهد، اظهار داشت:

رسا: حجت الاسلام والمسلمین سید حسن ربانی رییس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه در دیدار با مدیر عامل رسا گفت: اگر حوزه، طلاب و فضا در جریان قضایا قرار گیرند حوزه بهتر از این می‌تواند نقش آفرینی کند، اگر بخواهیم در جهت نزدیک شدن حوزه به رسالت خود کار کنیم باید اطلاع‌رسانی درست انجام دهیم، اطلاع‌رسانی‌ها باید صحیح، دقیق، خوب، به دور از حب و بغض‌ها و واقعیت‌گرا باشد، اگر اینگونه باشد اعتماد جلب می‌شود.

حجت الاسلام والمسلمین ربانی اطلاع‌رسانی را همانند هوا دانست و ابراز داشت: هوای مسموم سبب مسمومیت شده و هوای سالم سبب سلامت می‌شود، اگر اطلاع‌رسانی صحیح و درست باشد واقعا می‌تواند حوزه را به رسالت خود نزدیک و فعالیت او را بیشتر کند.

وی عنوان کرد: اگر بتوانیم گزارش دهیم در برابر موج فزاینده تهاجم فرهنگی به معنای گسترده کلمه که رهبر معظم انقلاب فرمودند چه کرده ایم بسیار مهم است، امروز چند مسجد در کشور داریم، چند مسجد فعال به معنای اعم است؟ چند مسجد نیمه فعال هستند یعنی باید بررسی شود که مساجد چقدر فعال و چقدر خالی هستند.

رییس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه خاطرنشان کرد: کم نیستند مساجدی که امام جماعت آن مکلا است یعنی یک بازاری و افراد دیگر امام جماعت هستند که آشنایی زیادی با حوزه فرهنگ و معارف دینی ندارند، آن وقت انتظار داریم مردم ما دین خود را از کجا یاد بگیرند؟

وی اضافه کرد: صداوسیما، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و رسانه‌های دیگر چه کسانی متصدی این کار هستند که مردم را متدین بار بیاورند، این‌ها حوزه‌هایی است که مستقیماً با روحانیت سروکار دارد؛ رسالت اولیه روحانیت دفاع از دین، تعلیم و تربیت دینی است.

حجت الاسلام والمسلمین ربانی با اشاره به فعالیت‌های مرکز خدمات حوزه‌های علمیه گفت: بر اساس کاری علمی روحانیت کشور غیر از

ادامه از صفحه اول

به مناسبت، بد نیست اشاره‌ای هم به موضع حزب توده نسبت به آیت‌الله کاشانی داشته باشیم. آقای دکتر نورالدین کیانوری، دبیر کل حزب توده ایران، موضع‌گیری حزب را در رابطه با آیت‌الله کاشانی و دولت دکتر مصدق چنین توضیح می‌دهد: «... مطبوعات ما در سال‌های ۲۹ تا ۳۱ آیت‌الله کاشانی و مصدق را به بدترین شکل مورد حمله قرار می‌داد و عمال و جاسوسان آمریکا معرفی می‌کرد و تنها در سال ۳۱ واقعیت‌های جهانی ما را وادار کرد موضع خود را تغییر بدهیم و از سیاست دکتر مصدق دفاع بکنیم ولی مبارزه علیه آیت‌الله کاشانی را ادامه دادیم و در آن گروهی قرار گرفتیم که کوشش می‌کردند روحانیت را از صحنه مبارزه بیرون و منزوی کنند و در نتیجه مردم از مبارزه کنار بکشند...»

بدین ترتیب نوع دفاع حزب توده از آیت‌الله کاشانی کاملاً روشن می‌گردد...

... در بعضی از گزارش‌های نقل شده در این کتاب آمریکایی اشاره شده است که آیت‌الله کاشانی خواهان سرنگونی دولت بوده و با «کودتا» موافق بوده است... و باز در جای دیگری ادعا می‌شود که «خود آیت‌الله کاشانی و یا بعضی از نزدیکان ایشان خواستار کمک مالی شده‌اند»!

... بدین ترتیب دامنه اتهامات گزارش‌های خناسان آمریکایی، توسعه می‌یابد و دولت آمریکا هم با نشر آنها، به هدف خود که ایجاد چند قطبی در بین مردم ایران است، نزدیکتر می‌شود. در این راستا ناگهان شخصی به نام عبدالله رمضان‌زاده - به اصطلاح سخنگوی دولت اصلاحات - می‌نویسد: «اکنون که اسناد! همراهی کاشانی با کودتای آمریکا افشا شده نام خیابان آیت‌الله کاشانی را تغییر دهید!» و از آن سوی دنیا هم آقای عباس میلانی، مؤلف دو کتاب: «نگاهی به شاه» و «معمای هویدا»، با گزاشی ستایشگرانه از رژیم پهلوی، در اقدامی مشابه می‌نویسد: «چرا با تغییر نام بزرگراه شیخ فضل‌الله نمی‌آغازید که دشمن قسم خورده مشروطه و دموکراسی بود»!

بی‌اطلاعی هر دو مدعی از حقایق تاریخ دوران مشروطیت تا نهضت ملی شدن صنعت نفت و چگونگی نقش شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله کاشانی در به ثمر رسیدن حرکت‌های آزادی‌خواهانه و استقلال طلبانه مردم ایران، در هر دو مورد از این «داوری‌ها»، کاملاً روشن می‌گردد. اسکندر صادقی بروجردی محقق فوق‌دکتری آکادمی بریتانیا در دانشگاه آکسفورد، در ضمن تحلیلی درباره بازتشر مدارک از طبقه‌بندی خارج شده آمریکا، درباره علت پیدایش دیدگاه منفی بعضی از ایرانیان نسبت به روحانیت، منصفانه می‌نویسد:

«... این‌ها در روایتشان از مرداد ۳۲ سعی داشته اند که نقش روحانیت را در مقام مقایسه با تمام بازیگران دیگر بالا ببرند. این را می‌توان به عنوان واکنش آنها در سایه باورهای ضد مذهبی‌شان، پس از انقلاب ۱۳۵۷ و تأسیس جمهوری اسلامی ایران بهتر درک کرد. کینه و دشمنی درمان نشده‌شان نسبت به رژیم حاکم در ایران به ریشه‌های فراتاریخی روحانیت شیعه برمی‌گردد. برای این‌ها، روحانیت یک مجموعه همگون است که بدون استثنا برضد آزادهای دموکراتیک مردمی ایرانیان عمل می‌کند. آنها ترجیح می‌دهند عوامل مؤثر در شکل‌گیری نظرات و مواضع روحانیت در مقاطع مختلف بحرانی تاریخ ایران در قرن بیستم را نادیده بگیرند.»

البته ما در این یادداشت کوتاه، قصد ورود به این مسائل را نداریم ولی آنچه که مهم و ضروری است که در اینجا به آن اشاره کنیم اینست که قضاوت در محتوای گزارش‌های منتشر شده در کتاب هزار صفحه‌ای وزارت خارجه آمریکا، بدون بررسی دقیق و تحلیل منصفانه و مقایسه آنها با شواهد و اسناد موجود در ایران، معقول و منطقی نیست. بگذارید متن کامل این گزارش‌ها ترجمه و منتشر گردد تا پس از بررسی آنها، به داوری بنشینیم.

در اینجا برای نمونه می‌توانیم به ادعای مطالبه پول! توسط نزدیکان آیت‌الله کاشانی اشاره کنیم که این نوع اتهامات در دوران ما هم نمونه‌های روشن و مشابهی دارد:

۱. سرهنگ عبدالناصر مبلغ ۱۵۰ هزار دلار به آیت‌الله خمینی فرستاد!۳!
۲. سرهنگ معمر قذافی مبلغ پنجاه هزار دلار توسط فرزندان آیت‌الله منتظری به آیت‌الله خمینی کمک کرد!۴
۳. آمریکا، مبلغ صد و پنجاه میلیون دلار توسط آقایان: بنی‌صدر، دکتریزدی و قطب‌زاده برای پیروزی انقلاب هزینه کرد!۵ البته این ادعاها، هیچ‌کدام همراه با سند و مدرک نیست که بی‌تردید اگر صحت داشت، اسناد حواله‌ها و پرداخت‌ها و نام بانک‌ها و شماره چک‌ها و یا اسامی افراد حامل پول‌های نقد!، هزار بار از طرف مدعیان منتشر شده بود...

... برای تکمیل این نکته، شاهدهی از غیب رسید و جناب آقای مجید تفرشی پژوهشگر تاریخ معاصر و سندشناس معروف که از معدود محققان ایرانی در این زمینه است و سالیان دراز است که به طور علمی، آکادمیک، با اسناد، به ویژه سندهای تازه‌یاب در غرب، سر و کار دارد و در مورد این گزارش‌ها و سندها! هم بلافاصله پس از انتشار به تحقیق و مطالعه پرداخته و تحلیل منطقی خود را دارد که در مصاحبه مشروحی، آن را در دو صفحه کامل از روزنامه «اعتماد» ارائه نموده است...

ما از مجموع آن گفتگوی تاریخی ارزشمند و مبسوط، فقط به یک نکته مربوط به افسانه پول گرفتن آیت‌الله کاشانی که پس از گفتگوی شخص ایشان با «گازبوروفسکی» ناشر اصلی این کذب و جعل تاریخی!، در مقاله خود برای اولین بار مطرح می‌شود، اشاره می‌کنیم و سپس افسانه موهوم بعضی از سیاستمداران نادان آمریکایی را درباره پیشنهاد پول دادن به آیت‌الله بروجردی و ایجاد شغل!! برای ایشان، نقل می‌کنیم تا عمق حماقت و بلاهت و دوری این گزارشگران آمریکایی و هواداران ایرانی آنها، از مسائل و حقایق تاریخی ایران روشن‌تر گردد:

آقای مجید تفرشی در مصاحبه خود می‌گوید: «... یکی از معضلات عدم توجه دقیق به اسناد تاریخی این است که در ایران به این نوع منابع در جوی به شدت سیاست‌زده توجه می‌شود. در چنین جوی سیاستمدارانی که خواسته یا ناخواسته حالت «خودمورخ‌پنداری» دارند، وارد صحنه می‌شوند و مثل همه مسائل دیگر تاریخ و تاریخ‌نویسی و اسناد تاریخی را ابزار و دستمایه فوتبال سیاسی داخلی و وسیله آبروریزی و آبروخری از این و آن قرار می‌دهند. مثال جالبی در این زمینه هست که بهتر است به آن اشاره شود در تمام این ۱۰۰۷ صفحه‌ای که منتشر شده بیش از چهارصد بار نام آقای کاشانی

آمریکایی‌ها می‌خواستند به آیت‌الله بروجردی! پول بدهند

موضع حزب توده... داوری‌های منصفانه



دلیل «مواضع سیاسی‌شان» به آن استناد می‌کنند و شادند، بدون اینکه به منبع آن اشاره و اصل موضوع از نظر علمی و حقوقی ثابت شود، یعنی هیچ گونه منبع و سند قابل ردیابی (traceable) راجع به آن وجود ندارد ولی یکی چون با آقای کاشانی مشکل دارد یا طرف دکتر مصدق است یا با وضع موجود سیاسی ایران مشکل دارد، به این نوشته استناد می‌کند. از نظر علمی و تخصصی و فنی این کار نادرست و غیرحرفه‌ای است.

البته هیچ بعید نیست که کسانی به نام کاشانی یا دیگر مخالفان مصدق از ماموران و دلالان سیا پول گرفته باشند. چنان که البته در این اسناد هم آمده در مورد امکان خرید مخالفان مطرح شده ولی در عمل این مطالب در حد گمانه زنی و راهکار پیشنهادی باقی می‌ماند و از اجرایی شدن آن اطلاعی در دست نیست و قابل استناد هم نخواهد بود.

وقتی از «اسناد» سخن می‌رود، دامنه و طیف متنوعی را از گزارش‌ها، نامه‌ها، دست‌نوشته‌ها، بریده جراید، اسناد مالی مثل چک و سفته و... در بر می‌گیرد. این اسنادی که الان منتشر شده سند تاریخی به خصوص گزارش‌های تاریخی می‌کنیم، با یک مجموعه بکدست و دارای ارزش واحد طرف نیستیم، بلکه با مجموعه‌ای از گزارش‌های مختلف شامل خلاصه وضعیت ایران، گزارش مذاکرات مجلس، خلاصه مندرجات مطبوعات، مشاهدات و ملاقات‌های مامورین خارجی، گزارش‌های درست و نادرست خبرچین‌ها و مخبرین آشکار و پنهان داخلی دولت‌های خارجی و مقداری نیز حدس و گمانه‌زنی و ارزیابی و تحلیل است. اینها هیچ کدام ارزش یکسانی ندارد مثلاً اگر در یکی از این اسناد گفته شود که «باید برویم به شخصی پول بدهیم زیرا ممکن است با ما همکاری کند». به این معنا نیست که آن فرد این کار را کرده است، یا اگر گفته شود «روس‌ها به دولت مصدق پیشنهاد داده اند که با حزب توده ائتلاف کند» بدان معنا نیست که مصدق با روس‌ها ائتلاف کرده و کار تمام شده است.

برای نمونه حدود ۲۰ سال پیش گزارش تفصیلی مهمی از سازمان CIA درز کرد و منتشر شد که در ایران نیز تحت عنوان گزارش دونالد ویلبر چند بار ترجمه و منتشر شده است. ویلبر افسر سیا بود که بعداً استاد دانشگاه شیکاگو شد و از ایران‌شناس سرشناس بود. خاطرات او هم منتشر شده که البته به فارسی ترجمه نشده است اما این گزارش که ارزیابی عملیات ۲۸ مرداد است را نخست روزنامه نیویورک تایمز منتشر کرد.

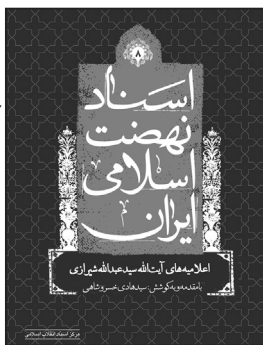
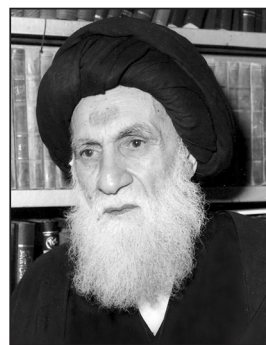
در این گزارش حرف‌های بی‌ارزش و بی‌پایه‌ای هم وجود دارد، مثلاً در جایی می‌گوید آمریکایی‌ها پیشنهاد کرده‌اند که به آیت‌الله العظمی طباطبایی بروجردی پولی و شغل مشاورت دولتی (!) داده شود تا ایشان طرفدار شاه شود! آیت‌الله بروجردی در آن زمان تنها مرجع یگانه تاریخ تشیع بود که با پول و قدرت خارج از وصفی که در اختیار داشت، می‌توانست شاه و سیا را با هم بخرد و بفروشد. این افسر سیا که هیچ آیت‌الله بروجردی را نمی‌شناسد، می‌گوید به ایشان پول بدهیم تا به دولت مشاوره بدهد!

ادامه در صفحه بعد

آمده است، به این مضمون که کاشانی می‌خواهد دولت مصدق را ساقط کند و از آن ناامید است و می‌توان از موقعیت او استفاده کرد. این تعبیر در مقطع شش ماه آخر عمر دولت دکتر مصدق درست است؛ زیرا به هر حال ماه‌های پایانی منتهی به مرداد ۱۳۳۲، آیت‌الله کاشانی اپوزیسیون اصلی دولت مصدق بود و با دولت مصدق به روندی سازش‌ناپذیر رسیده بود. هر اپوزیسیونی قصد دارد که حکومت حاکم را کنار بزند و خودش به قدرت برسد. اما در این اسناد مطلقاً نمی‌بینیم که جایی ثابت شود که کاشانی با آمریکایی‌ها همکاری کرده و پول گرفته است. البته در حد حدس و گمان و «گفته می‌شود» همیشه در مورد همه جناح‌ها بوده است.

من البته خودم در مواردی جزو منتقدین سیاست هم آیت‌الله کاشانی و هم دکتر مصدق هستم، اما هیچ سند درستی ندیده‌ام که به این اشاره کند که کاشانی برای برکناری مصدق از خارجی‌ها پول گرفته باشد. معمولاً مدعیان این ادعا صرفاً به مقاله‌ای (برخی به اشتباه می‌گویند کتاب) آقای مارک گازبوروفسکی، دوست عزیزم، حدود ۳۰ سال پیش نوشته، استناد می‌کنند. گازبوروفسکی در این مقاله مدعی می‌شود که سازمان CIA به آقای کاشانی پول فرستاده است. من در جریان همایش پنجاهمین سالگرد ۲۸ مرداد در سالن «سنت آنتونی» دانشگاه آکسفورد در حضور حدود ۳۰۰ نفر از محققان و تاریخ‌پژوهان، از آقای گازبوروفسکی سوال کردم. و بعد از آن هم چند بار دیگر این پرسش تکرار شد و آخرین بار نیز در تابستان گذشته در کنفرانس دو سالانه ایران شناسی در وین از او پرسیدم. که شما به عنوان یک استاد محترم و برجسته، در مقاله‌تان می‌گویید که «سیا به کاشانی ۱۰ هزار دلار پول داده است و من این را از یک افسر بازنشسته سیا که نمی‌توانم اسمش را بگویم، شنیده‌ام و نمی‌توانم منبع را فاش کنم» شما اگر این حرف را بدون ارایه سند مشخص و قابل ردیابی راجع به یک شخصیت آمریکایی گفته بودید، حتماً اعتبار و کارتان را از دست می‌دادید و به زندان می‌افتادید، زیرا بدون امکان اثبات، اتهام بزرگ خیانت به مملکت و پول گرفتن از یک سازمان جاسوسی خارجی را به آن فرد زده اید. ولی حالا مدعی می‌شوید که نمی‌توانید منبع شفاهی را بگویید؟ من به ایشان گفتم الان هم ۳۰ سال از آن زمان گذشته و شما نمی‌توانی منبع را بگویی؟ الان احتمالاً آن منبع شفاهی شما مرده و استخوانش هم پوسیده است. اگر یک دانشجوی شما در مقاله‌ای مدعی شود که مثلاً کورش کبیر وجود نداشته باشد و بگوید منبعش را نمی‌تواند اعلام و فاش کند و شما باید بی‌مدرک و سند نظر مرا بپذیرید، شما به او چه می‌گویید؟! بنابراین چنین ادعایی الان حدود سه دهه است در کشور ما مطرح می‌شود و خیلی‌ها نیز به

یادگارهای «مرجع مجاهد»



احمد رضا صدری
هشتمین جلد از مجموعه «اسناد نهضت اسلامی» به گردآوری و تدوین استاد ارجمند آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی به بیانیه‌ها، تلگرافات و جوابیه‌های مرجع مجاهد مرحوم آیت‌الله العظمی سیدعبدالله شیرازی (قده) در مقاطع پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص یافته است. این بیانیه‌ها بازه زمانی نسبتاً گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند و از مقطع آغاز نهضت اسلامی تا پایان حیات آن مرجع نامدار در مهرماه ۱۳۶۳ را در برمی‌گیرند.

همچنین در این مجموعه، اعلامیه‌هایی را نیز می‌توان یافت که از حساسیت آیت‌الله نسبت به شرایط شیعیان و مسلمانان نسبت به سرنوشت دیگر کشورهای اسلامی حکایت دارد. تدوینگر ارجمند این مجموعه در دیباچه خویش بر این اثر تاریخی چنین آورده است: «پیروزی انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی، مشارکت مردم و با الهام‌گیری از آموزه‌های اسلام رقم خورد. در جریان حرکت انقلابی مردم ایران از آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ مراجع محترم تقلید نیز در کنار امام بودند، در بزنگاه‌های تاریخی به رژیم اعتراض می‌نمودند و نیت و خواسته‌های خود را در قالب اعلامیه‌هایی به کارگزاران رژیم یا مردم ابلاغ می‌کردند. این اعلامیه‌ها در تقویت روحیه مبارزه بین مردم و قوام نهضت اسلامی نقش ویژه‌ای داشت و هر چه به پیروزی انقلاب و روزهای اوج مبارزه نزدیک‌تر می‌شویم، حمایت مراجع از مبارزات امام و مردم صریح‌تر و پررنگ‌تر می‌شود.

آیت‌الله العظمی سیدعبدالله شیرازی از مراجع بزرگ تقلید از حامیان امام و مبارزان با رژیم پهلوی بود. او که در خطه جنوب همراه پدر بزرگوارش با نفوذ بریتانیا جنگیده بود به مدت شش ماه از طرف حکومت تبعید شد و طی این سال‌ها روحیه شجاعت و استقامت در وجود ایشان شکل گرفت.

ادامه از صفحه قبل

در آن زمان دولت چندین وزیر به قم می‌فرستاد تا اگر احیاناً دولت کاری می‌خواست بکند، آیت‌الله بر جوردی اعتراض نکند و قبول کند و گاهی باز هم نمی‌توانست ایشان را راضی کند. بنابراین در این اسناد از این دست مطالب نادرست و سست و غیرقابل استناد کم نیست. نباید کل تاریخ را به این اسناد منتسب کرد. باید توجه کرد که اسناد تاریخی، مژ تاریخ نیستند، ولی منابع و ابزارهای مهمی برای تاریخ‌نگاری هستند. همچنین برای مقابله با این دست اشتباهات در اسناد، نباید همه آنها و موارد بسیار زیاد مهم و موثر در تاریخ‌نگاری معاصر ایران را نادیده گرفت. اسناد تاریخی به طور کلی باید با نگاه نقادانه و پژوهش محور مورد بررسی و استفاده واقع شوند...» ۶

این یک داوری منصفانه و عادلانه، بدون موضع‌گیری جناحی و گرایش ویژه به این طرف یا آن جناح است که پس از بررسی اجمالی گزارش‌ها و اسناد، آن را اعلام کرده است و ما امیدواریم که دیگر دوستان حقیقت‌جو و منصف و روشن ضمیر هم در داوری‌های خود از عدل و انصاف دور نشوند و با اتکاء به اکاذیب و مطالب غیرمستند، حکمی صادر نکنند که در نتیجه موجب دو قطبی شدن شدید جامعه و دوری از هم خواهد شد.

البته نباید ناگفته بماند که در بین رهبران جبهه ملی و یاران نزدیک دکتر مصدق هم افراد منصف و معتدلی بوده‌اند که در داوری‌های خود، تابع هوی و هوس نشده و جانب عدالت را

وی در سال ۱۳۳۳ برای طی مدارج عالی تحصیل راهی نجف شد و در محضر آیات سیدابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی تلمذ کرد. تا اینکه پس از ۱۰ سال به زادگاه خود بازگشت و در بسط علوم حوزوی و تأسیس مدارس کوشید. در دوران رضاشاه و در عصر مبارزه با شاعران اسلامی، وی از شیراز به قم رفت و پس از مذاکره با آیت‌الله حائری درباره کشف حجاب خواستار پیگیری و ممانعت از این امر شد. ایشان در جریان حمله رژیم به مسجد گوهرشاد در آنجا حضور داشت و توسط عمال رژیم دستگیر شد. از آن پس به نجف رفت و در آنجا اقامت نمود.

با شروع نهضت اسلامی امام خمینی (ره) وی در حمایت از نهضت اعلامیه‌ای علیه تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی صادر نمود. پس از آن در جریان حمله به فیضیه نیز این فاجعه را به علمای ایران گوشزد کرد و در جریان قیام ۱۵ خرداد بیانیه مفصلی پیرامون حکومت ضد دینی شاه خطاب به ملت‌ها و دولت‌های مسلمان صادر نمود. آیت‌الله شیرازی علاوه بر مسائل ایران به سرنوشت سایر نقاط جهان اسلام نیز حساسیت نشان می‌داد. ایشان تجاوازت صهیونیسم را به مسلمانان در اقصی نقاط جهان محکوم کرده و تلگراف‌هایی به سران رژیم در اعتراض به همکاری رژیم پهلوی با رژیم اشغالگر قدس مخابره می‌کرد.

پیشه کرده‌اند که از جمله آنها. علاوه بر مهندس کاظم حسینی و دکتر علی شریعتمداری. مرحوم مهندس احمد زیرک‌زاده از رهبران «حزب ایران» و از یاران مصدق است که تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد هم در کنار وی بود. مهندس زیرک‌زاده ضمن اشاره اجمالی به تاریخچه ملی شدن صنعت نفت، اطلاعات ویژه ای درباره «نقش و نقشه دکتر مصدق در ۲۸ مرداد» و «تبیین ضعف‌ها و ظرفیت‌های نهضت ملی»، در نفی و نقد نسبت «خیانت» دادن به یاران قبلی و شخصیت‌هایی چون آیت‌الله کاشانی می‌نویسد:

«... نسبت خائن به وطن بودن بدون ارائه سندی محکم به دیگری دادن، ظالمانه و حتی دور از انسانیت است... تا آنجا که من می‌دانم هیچ‌کدام از این آقایان در صدد جمع‌آوری مال نبوده‌اند و آنچه که از آنها باقی ماند، ثروتی نیست که برای آن کسی به وطن خود خیانت کند... آیت‌الله کاشانی تمام عمرش با نفوذ خارجی جنگیده است، حالا که به حرمت مقام روحانی خود، عزت ملی را افزوده است، چه علتی دارد که از خارجی دستور بگیرد؟...» ۷

و البته این فقط گزارش‌های خناسان آمریکایی نیست که با سندسازی به میدان آمده‌اند بلکه همکاران دیگری نیز دارند... آخرین شاهکار این نوع سندسازی‌ها، ادعای پوچ و مسخره بی‌بی‌سی خبیث انگلیس خبیث بود که چند ماه پیش، با اتکاء به «سندی که هنوز به دست نیامده»! مدعی شد که امام

ایشان در حین پیروزی انقلاب اسلامی نیز در اعتراض به کشتار مردم در وقایع مختلف به رژیم اعتراض نمود و اعلامیه‌هایی صادر کرد و پس از پیروزی انقلاب نیز با حساسیت خاص يك مرجع دینی روند امور انقلاب و نظام را پیگیری می‌کرد. مجموعه حاضر شامل اعلامیه‌ها و نامه‌های آیت‌الله شیرازی است که هر کدام از آنها در جای خود سندی تاریخی محسوب می‌شود و گوشه‌ای از تاریخ نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی را روشن می‌کند.

همانگونه که اشارت رفت، بیانیه‌هایی که در این مجموعه آمده‌اند، بازه زمانی گسترده‌ای را دربر می‌گیرند. یکی از اولین اسناد این اثر، پاسخ آیت‌الله العظمی سیدعبدالله شیرازی به پرسش جمعی از مدرسین حوزه علمیه قم پیرامون مشروعیت حکم دادگاه نظامی ارتش درباره اعضای جمعیت موتلفه اسلامی در پی اعدام انقلابی حسنعلی منصور است. اهمیت این سند تاریخی در آن است که رژیم پهلوی در پی آن بود که با تمسک به غیر شرعی بودن ترور در اسلام، اقدام اعضای این جمعیت را در اذهان عمومی مشوه سازد و آن را نامشروع نشان دهد. آیت‌الله شیرازی در این جوابیه آورده‌اند: «حضرات حجج اسلام آقایان مدرسین و فضلاء حوزه علمیه مقدسه قم دامت افاضاتهم

پس از اهدای سلام و استدعای دوام توفیقات آقایان از محضر مقدس خداوند متعال، در پاسخ سؤالات فوق‌الذکر آن حضرات همچنان که می‌دانید حکومت جائز ایران در این دو سه ساله اخیر آنچنان زبانه آتش ظلم و استبدادش بالا گرفته که به منظور بقای خود و انجام اوامر اربابان نصارا و یهود از هیچ گونه عمل خلاف دین، قانون و انسانیت فروگذار نکرده و از تصایح سایر مراجع تقلید عظام و علمای اعلام و ناصحان و خیراندیشان ملت اثری جز مزید شرارت به وجود

خمینی توسط آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای، در دوره حصر. اقامت اجباری امام در تهران. به آمریکاییان پیام داده است که مخالف منافع آنها نیست!

باید بگوییم که: اولاً در زمان حصر، کسی اجازه ملاقات با امام را نداشت و ثانیاً آیت‌الله کمره‌ای چه ارتباطی با آمریکاییان می‌توانست داشته باشد؟ و ثالثاً، عملکرد قبلی و بعدی امام، یعنی قبل از پیروزی انقلاب و پس از آن تا پایان، به طور شفاف موضع امام و انقلاب را در قبال آمریکا. و منافع آن. کاملاً نشان داد و این امر خود کذب ادعا و مجعول بودن سندی را که هنوز «رونمایی» هم نشده است، نشان می‌دهد...

... و اکنون هجمه ناجوانمردانه ملی‌گرایان قدیم و جدید، همکاران کریم پور شیرازی و غیره! و هم قلمان: پرخاش، شورش، به سوی آینده، باختر امروز، چلنگر، شهباز و... سال ۱۳۳۲، در سال ۱۳۹۶، به آیت‌الله کاشانی، ما را واداشت که نمونه‌هایی از اسناد و مقالات تاریخی و خاطرات مستند خود را در رابطه با زندگی و مبارزات آیت‌الله کاشانی، یکجا منتشر سازیم... این مقالات، از پنجاه و پنج سال پیش. از سال ۱۳۴۱. و پس از رحلت بیت‌الله کاشانی، به تدریج و به مناسبت‌های مختلف توسط اینجانب تحریر و ترجمه و آماده گشته و در زمان‌های مختلف، در جراند و مجلات کشور منتشر شده است...

امید آنکه نشر این مباحث مستند، برای دفاع از حق و حقیقت و روشن ساختن حقایق

نیامد (و ما زاده‌ام الا طغیاناً و ظلماً) و پس از جعل قوانین برخلاف دیانت مقدسه اسلام و خونریزی‌ها از قبیل فاجعه عظیمه مدرسه فیضیه قم و کشتار هزاران نفر از ملت مسلمان ایران در روز ۱۲ محرم الحرام به جرم حق‌گویی و مساعدت علما که فراموش‌شدنی نیست و سایر قضایا از حس و تضییق بر حضرات علمای اعلام و بزرگان ملت، دولت منصور به دستور شاه و مساعدت مجلسین مصنوعی محرم دست به نغمه بالاتر زده و ملت مسلمان ایران را با تصویب نمودن مصونیت اتباع امریکا برده اجابت قرار داده و مملکت مستقل چند هزار ساله ایران را تحت استعمار حقیقی اجانب قرار داده، حضرت آیت‌الله خمینی را که یکی از مراجع تقلیدند به جرم نصیحت و حق‌گویی و برملا ساختن خطرات و نکبات این تصویبنامه و برخلاف قانون به خارج کشور تبعید نموده که اکنون اطلاع صحیحی از حال و مکان ایشان در دست نیست، در حالی که مراجع تقلید به نص قانون علاوه بر آزادی نطق و بیان، مصونیت دارند. البته به مقتضای علاقه به دیانت و ناموس و آب و خاک چنانچه حوادثی از قبیل قتل منصور و مانند آن پیش آید جای هیچ گونه تعجبی نیست و به طور مسلم حکم دادگاه در این باره نسبت به اعلام و حس آن عده هیچ گونه از نظر شرع ارزش ندارد و نمی‌توان آنها را مفسد خواند، بلکه مفسد واقعی دستگاه جبار حکومت است که در واقع خود سبب اینگونه حوادث می‌شود.

به هر روی مجموعه‌ای که از آن سخن رفت، بخشی از مجموعه اسناد حضور مستمر مرجعیت دینی در تاریخ انقلاب اسلامی است که بی‌تردید مطالعه آن برای عموم محققان و درنگاهی کلی‌تر، عموم علاقه‌مندان تاریخ نهضت اسلامی مفید خواهد بود و چنین باد.

منبع: روزنامه جوان

تاریخ معاصر ایران، و نقش آیت‌الله کاشانی در آماده‌سازی بستر مبارزه و بیدارگری جهان اسلام بر ضد سگ‌های انگلیسی. آمریکایی، برای جویندگان حقیقت و به دور از تعصب جاهلی و عصبیت قومی! و قبیله‌ای، مفید و راهگشا باشد.

والله من وراء القصد

سید هادی خسروشاهی

قم: ۳۰ تیرماه ۱۳۹۶

۱. «جمع‌بندی ۴۲ سال عملکرد حزب توده»، چاپ دوم، رم، ایتالیا، ۱۳۶۲، صفحه ۲۲.
۲. www.jadaliyya.com
۳. «مدافع آیت‌الله». توپخانه آیت‌الله. تألیف محمد حسنین هیکل، چاپ قاهره.
۴. «در دامگه حادثه»، خاطرات پرویز ثابتی، مقام امنیتی معروف رژیم شاه، چاپ آمریکا، ۱۳۹۰، ناشر: شرکت کتاب، صفحه ۴۷۶.
۵. «خمینی در فرانسه»، تألیف: دکتر هوشنگ نهانودی، چاپ دوم، پاریس، انتشارات شرکت کتاب، صفحه ۲۰۳ و ۲۸۵: «... به شهادت یکی از صاحب منصبان عالی رتبه «سیا» که در زمان حکومت کارتر مباشر انجام برنامه بود، آمریکایی‌ها صد و پنجاه میلیون دلار برای «برنامه خمینی در فرانسه» اختصاص داده بودند...» شاهد؟ از این قوی‌تر؟ مقام عالی‌رتبه سیا!...
۶. روزنامه «اعتماد» مورخ ۱۳۹۶/۴/۳۱، صفحه ۸ و ۹.
۷. کتاب: پرسش‌های بی‌پاسخ در سال‌های استثنایی، خاطرات مهندس زیرک‌زاده، صفحات ۱۶۷ و ۲۸۹.

فرمانده نیروی قدس سپاه با بیان اینکه شهید حججی‌ها تربیت شده‌ی مساجد هستند، اظهار کرد: تمام دعوای ما با عالم غرب و عالم اسلام، بر سر دو مسجد است؛ مسجد حیات دینی و سیاسی اجتماع اسلام را بر عهده دارد.

سرلشکر قاسم سلیمانی در پانزدهمین اجلاس روز جهانی مساجد با بیان اینکه شهید حججی ثمره مسجد است، اظهار کرد: امروز مقابله با تهاجم فرهنگی پیچیده‌تر و ناپایدارتر از دیروز شده و باید در این عرصه مطالبات مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گیرد. شبیخون تهاجم فرهنگی در جامعه ما به وجود آمده است. مسجد تربیت مدافع حرم و ایثار و فداکاری افراد جامعه را بر عهده گرفته است. این اتفاق در ساختار دولتی و پارلمانی رخ نمی‌دهد، بلکه در مسجد امکان‌پذیر است. ما پیروزی خود را در دوران دفاع مقدس مدیون مسجد و ائمه جماعات می‌دانیم.

وی ادامه داد: ما در کشور با رشد الحادگری و لابی‌گری مواجهیم و باید از خود بیرسیم که اکنون در جامعه چه وظیفه‌ای داریم؟ نگاه ما به

مسجد نباید فقط محدود به داخل مسجد باشد، اگر این‌گونه باشد بازنده خواهیم بود. اگر محیط اطراف مسجد سقوط کند، دشمن وارد آن می‌شود. ما امروز با دو خطر مواجهیم؛ یکی خطر داخلی که «فتنه مذهبی» است و دیگری خطر خارجی که «تهاجم علیه جهان اسلام» است. در کشورهای اردن و مصر مساجد زیادی وجود دارد، اما آن‌ها نسبت به اقدامات رژیم صهیونیستی بی‌تفاوت هستند. ال‌زهر اکنون حکومتی است و ای کاش نبود تا اینکه این‌گونه نسبت به جنایات غزه بی‌تفاوت باشد.

ما امروز با دو خطر مواجهیم؛ یکی خطر داخلی که «فتنه مذهبی» است و دیگری خطر خارجی که «تهاجم علیه جهان اسلام» است.

فرمانده نیروی قدس سپاه افزود: خدمت امام (ره) به جهان اسلام، با هیچ کدام از مراجع و مراکز اسلامی قابل مقایسه نیست و امروز رهبری با تمام توان از آن دفاع می‌کنند. چه کسی مسئول رشد لابی‌گری در کشور است؟ آیا همه ما به وظایف خود عمل کرده‌ایم؟ ما باید بدانیم که فقط نباید پل خود را حفظ کنیم. اگر این‌گونه باشد، سایر پل‌ها نیز سقوط می‌کنند. مسجد یک قرارگاه است و تأثیر آن بر کل جامعه است. کسی که نتواند سربازانش را حفظ کند، خطش سقوط کرده است. اگر جوانی از آن مسجد رفت، خط آن امام جماعت

شکسته و سقوط کرده است.

سرلشکر سلیمانی تصریح کرد: وقتی یک برادر خسته و چند شغله را امام جماعت می‌کنید، چطور از او توقع دارید مسجد را حفظ کند؟ چرا دائماً از القاب بی‌حجاب، بدحجاب، اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب استفاده می‌کنید؟ پس چه کسی می‌ماند؟ تمام بچه‌ها یکی نیستند، بلکه این پدر خانواده است که آن‌ها را گرد هم جمع می‌کند. امام جماعت باید بتواند باحجاب، بدحجاب و بی‌حجاب همه را جذب کند.

وی یادآور شد: تعداد مساجد مهم نیست، اما باید بدانیم که انقلاب ما به مساجد بستگی دارد. وقتی از بالای دمشق رد می‌شویم، مناره‌ها را می‌بینیم؛ ولی از بالای تهران چیز دیگری می‌بینیم که حال‌مان عوض می‌شود. امثال «شهید حججی» زیاد داشته‌ایم که برخی از آن‌ها هم ذبح شده‌اند، اما برخی از شهدا حادثه‌آفرین می‌شوند و حججی برای عظمت دادن به همه مدافعان حرم بود. ما بنا نداریم هر اقدامی را در کشور تبلیغ کنیم، برخی از تبلیغات در کشور ما موثر نیست. ما بین منافع خود و عراق تفاوتی قائل نیستیم و دنبال تصرف چاه نفت و موصل و کرکوک و مطالبات ارزی نبوده‌ایم. ما به خاطر منافع شیعی به فلسطین کمک نمی‌کنیم، بلکه اگر کسی اظهار شیعی کند، با او کاری نداریم، چرا

چرا دائماً از القاب بی حجاب، باحجاب، اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب استفاده می‌کنید؟

که ۹۹.۹۹ درصد فلسطین اهل تسنن هستند، ولی ما از آن‌ها دفاع می‌کنیم.

فرمانده نیروی قدس سپاه تأکید کرد: ایران هیچ‌وقت بحران‌ساز و پرورش‌دهنده تکفیر نیست. گروه‌هایی همچون جیش‌الاسلام، جیش‌الحر را سعودی‌ها ساختند، اما ما منشأ ثبات در سوریه شدیم. ما با مذهب جلوی جنگ مذهبی را گرفتیم نه با قدرت نظامی. وقتی نظام می‌تواند مسائل قومی و زبانی را حل کند، این باعث ثبات است و اساسی دستیابی به این فضا، مقام معظم رهبری است.

سردار سلیمانی تأکید کرد: برخی از دوستان در سطوح عالی داخل و خارج اذعان می‌کردند که وارد سوریه و عراق نشوید و محترمانه از انقلاب دفاع کنید. یک نفر گفت یعنی ما برویم و از دیکتاتور دفاع کنیم که رهبر فرمودند وقتی به کشورهای که با آن‌ها ارتباط داریم نگاه می‌کنیم، چه کسی دیکتاتور است و چه کسی نیست؟ ما مصالح را نگاه می‌کنیم. رهبری از دو بُعد حکمت و جسارت این انقلاب و دفاع از انقلاب را هدایت کردند.

وی در پایان تأکید کرد: آقای هاشمی حرف درستی درباره آمریکایی‌ها زد که گفت عقل گنجشک را در کله دایناسور می‌گذارند. اگر امروز می‌گوییم خدایا از عمر ما کم کن و به عمر رهبر بیفزای، این یک ضرورت است.

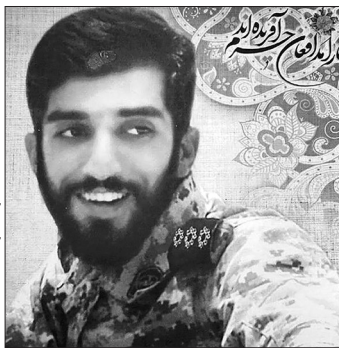
فعالیت فرهنگی شهید محسن حججی در نجف‌آباد

برخی از ناشران حوزه دفاع مقدس که با بودجه دولتی کتبی منتشر کرده‌اند، با اتکا به همت و بودجه گروهی علاقه‌مند به فرهنگ دفاع مقدس و انقلاب اسلامی، به انتشار کتبی همت گماشته که با استقبال چشمگیر علاقه‌مندان کتاب روبرو شده و حتی رکورد فروش بالای کتاب در کشور را کسب کرده است، یک نمونه از این کتاب‌ها کتاب «ملا صالح» است که با فروش ۱۰ هزار نسخه‌ای در تیر ماه، رکورد بیشترین فروش کتاب را ثبت کرد. کتاب ملا صالح شامل خاطرات آزاده ملا صالح قاری، مترجم اسراری ایرانی در اردوگاه‌های عراق به روایت رضیه غیبی است که اردیبهشت امسال پرویز پرستویی رونمایی شد.

بی‌شک کتاب‌شهر نجف‌آباد که در دوره فعالیت خود یکی از مراکز فروش محصولات فرهنگی زبانزد بود، تجربه موفق خود را مرهون ایثار، فداکاری و همت والای شهید سرافراز حججی و کارگزاران کتاب‌شهر است. همچنین کتاب‌شهر ایران این دوره ولو کوتاه همکاری با شهید والامقام حججی را درخشان‌ترین دوره در کارنامه فعالیت‌های خود قلمداد می‌کند.

سفیران فرهنگی در مدارس این شهر انتخاب شدند، حتی برخی از دانش‌آموزان به دلیل انس با کتاب در مدت همکاری خود با کتاب‌شهر، خود دست به قلم شدند و کتاب‌هایی تألیف کردند که به همت نشر شهید کاظمی و با همکاری کتاب‌شهر ایران منتشر شد. در اغلب فعالیت‌های کتاب‌شهر نجف‌آباد شهید حججی حضوری درخشان و فعال داشت.

این شهید والامقام همچنین نقشی اساسی در شکل‌گیری موسسه و نشر شهید کاظمی داشت و همواره در کنار خلیلی، مدیر این موسسه و مدیر پیشین کتاب‌شهر نجف‌آباد به نقش‌آفرینی در فعالیت‌های فرهنگی می‌پرداخت. این موسسه هم اکنون یکی از فعال‌ترین مراکز فرهنگی کشور است که در ترویج فرهنگ دفاع مقدس و انقلاب حرکتی نوآورانه و پیش‌رو را در کشور آغاز کرده است. این موسسه چند سالی است که برخلاف



سابق کتاب‌شهر نجف‌آباد و رییس انتشارات شهید کاظمی و شهید حججی در کشور شروع شد.

برای اولین بار در یک برنامه مستمر و حساب شده، معرفی کتاب به تربیون نماز جمعه راه یافت، این حرکت فرهنگی مرهون همکاری کتاب‌شهر نجف‌آباد و امام جمعه شهر نجف‌آباد بود که با

استقبال خوب نمازگزاران و رسانه‌ها روبرو شد. البته جریان‌سازی این مرکز به این سنت حسنه محدود نماند و برنامه‌های مختلفی برای آشتی مردم با کتاب شروع شد که یک مورد دیگر آن نیز انتخاب دانش‌آموزان به عنوان سفیران فرهنگی کتاب‌شهر در شهرستان نجف‌آباد بود.

کتاب‌شهر نجف‌آباد برای اولین بار کتاب را نه از طریق کتاب‌فروشان و به صورت غیر مستقیم بلکه از طریق خود دانش‌آموزان به مدارس شهر نجف‌آباد برد. برخی از دانش‌آموزان ممتاز نجف‌آباد، به عنوان

در تاریخ این استان ماندگار شد.

محمد ناصر نیک‌بخت با بیان اینکه بالاترین ایثاری که یک فرد می‌تواند انجام دهد آن است که تمامی آنچه را که دارد اهدا کند گفت: تاکنون جشنواره‌ها و همایش‌های مختلفی درباره دکتر ازکایی برگزار شده است که برای شناسایی این شخصیت بزرگ استانی و کشور کافی نیست.

وی بیان کرد: تاریخ همدان همیشه ثابت کرده است که دارای بزرگانی است و دکتر پرویز ازکایی یکی از بزرگان امروز و فردای این استان است. استاندار همدان با بیان اینکه با اهدا این آثار به کتابخانه مرکزی استان همگان می‌توانند از آنها استفاده کنند افزود: هر شخصیت فرهنگی که به استان همدان سفر می‌کند ضروریست از این کتابخانه تحقیقاتی - تخصصی دیدن کند.

مدیرکل کتابخانه‌های استان همدان نیز در این آیین با بیان اینکه برای این کتابخانه تخصصی ۱۷۰ مترمربع فضا اختصاص داده شده است گفت:

کتابخانه تحقیقاتی - تخصصی در همدان

وی افزود: دکتر ازکایی نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز شخصیت شناخته شده‌ای است که تفکرات وی عمیق و بزرگ است که در حوزه‌های تاریخ فلسفه کتاب‌شناسی و رجل‌شناسی فعالیت کرده است.

دکتر پرویز ازکایی نیز با بیان اینکه در سال ۷۶ و با تصویب ساخت آرامگاه عین‌القضات همدانی تصمیم بر اهدای کتابخانه خود به این آرامگاه گرفتیم گفت: پس از سال‌ها این محل به مجتمع فرهنگی تغییر نام داد که به خاطر مناسب نبودن ساختمان آن از انصراف کتاب‌ها به این محل منصرف شدم.

وی با بیان اینکه سنگ قبر نگاشته شده بر آن نیز تغییر یافته و هم اکنون متناقض با شخصیت بزرگ عارف بزرگ عین‌القضات است بیان کرد: پس از سال‌ها بررسی و رایزنی سرانجام کتابخانه مرکزی همدان برای اهدا این کتاب‌ها در نظر گرفته شد و در کتابخانه شرایط لازم وجود دارد و همگان می‌توانند از آن استفاده کنند.

روزنامه جمهوری اسلامی: اولین کتابخانه تحقیقاتی - تخصصی با همت محقق، پژوهشگر و نویسنده استان همدان دکتر پرویز ازکایی با حضور دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در کتابخانه مرکزی همدان به بهره‌برداری رسید. دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در این مراسم گفت: دکتر ازکایی یکی از شخصیت‌های برجسته کشوری است که تاکنون آثار ارزشمندی را به وجود آورده است.

علیرضا مختار پور با بیان اینکه وی یکی از اساتید برجسته که نه تنها در سطح کشوری بلکه در سطح بین‌المللی نیز خدمات مختلفی را انجام داده است ادامه داد: این استاد ارزشمند ایران زمین در حوزه‌های مختلفی هم چون زبان‌شناسی و رجل‌شناسی مطالعه و تحقیقاتی داشته است.

استاندار همدان نیز گفت: آثاری که دکتر ازکایی به کتابخانه همدان اهدا کرده حاصل سال‌ها تلاش و کوشش این فرهیخته ایرانی است که برای همیشه

که ما باید روی آن کار کنیم. تمام این تحولاتی که امروز دارد در سوریه انجام می شود، در عراق، در جهان اسلام همه برای این است که مسئله فلسطین، مسئله دوم و سوم جهان اسلام شود و این دیپلماسی اتحاد اسلامی و اعزام این افراد به کشورهای مختلف می تواند کمک کند که مسئله فلسطین، مسئله روز جهان اسلام شود.

بحث دیپلماسی اتحاد اسلامی فقط در حیطه کار مجمع جهانی تقریب هم نباشد، مراجع عظام ما هم می توانند وارد این حیطه شوند. همان کاری که آیت الله بروجردی انجام دادند، نمایندگانی را به دنیا بفرستند. مراجع عظام ما می توانند نمایندگانی را در طول سال به جهان اسلام اعزام کنند از طرف خود، از طرف این مرجع دینی برای صحبت پیرامون همین گفتمان ها و تلاش برای ایجاد تفاهم و تقریب بین جهان اسلام، اعزام شوند. یا مثلا جامعة المصطفی که ده هزار دانشجو فقط در داخل و بیش از ده هزار فارغ التحصیل در خارج دارد. اگر این ظرفیت بسیار عظیم در خدمت گفتمان اتحاد اسلامی قرار گیرد، می تواند کارهای بلندی انجام دهد.

منع قدرت نرم ما دیپلماسی است. ما هم باید از منابع قدرت نرم خود استفاده کنیم که یکی از آنها دیپلماسی است چه در عرصه رسمی، چه در عرصه غیر رسمی و چه در عرصه دیپلماسی عمومی. محور اصلی دیپلماسی عمومی رسانه است. بحث رسانه، بحث بسیار مهمی هست که باید به آن توجه کنیم. امروز دنیا با رسانه کار می کند. در انقلاب های محملی در مناطق شرق اروپا، یا یکی از علل فروپاشی شوروی، فضا سازی های رسانه ای بود. امروز هم یکی از شروط عربستان در مقابل قطر تعطیلی شبکه خبری الجزیره است. این نشان می دهد که خبرگزاری الجزیره چه نقش بزرگی را برخلاف منافع عربستان ایفا می کند و عربستان را به مرحله ای می رساند که این شرط را بگذارد. توجه به رسانه در عرصه دیپلماسی عمومی بسیار بحث مهمی است. توجه به فضای مجازی، رسانه های سنتی که مقام معظم رهبری هم اخیرا به این موضوع اشاره کردند. باید علمای جهان اسلام و روشنفکران دینی و مبلغین آموزش ببینند. رسولانی که می خواهند اعزام شوند آموزش ببینند و رسانه را بشناسند. در حوزه های مختلف رسانه ای بتوانند ورود کنند. در بحث وبلاگ ها، در بحث رسانه های دیجیتال، تلگرام، اینستاگرام، باید به بحث رسانه توجه خاص داشته باشیم. مقامات آمریکایی با دستوراتی که به رسانه ها دادند، سازماندهی عظیمی برای مقابله با وحدت اسلامی انجام دادند. در تمام حوزه های رسانه های مدرن و سنتی دارند فعالیت می کنند و در این حوزه کسانی که در جهت دیپلماسی اتحاد اسلامی حرکت می کنند باید فعالیت رسانه ای داشت باشند. در جهان اسلام باید شبکه های بزرگی را راه اندازی کنیم. از توانایی نخبگان و اندیشمندان استفاده کنیم.

داعش امروز در عین حالی که یک تهدید است برای ما یک فرصت است. چون امروز اکثر جهان اسلام چه شیعه چه سنی برای مقابله با تکفیریون با هم اتفاق نظر دارند. این موضوعی است که می تواند به عنوان یک گفتمان مشترک مورد استفاده واقع شود و محوری برای گفتگو قرار گیرد. امیدوار هستیم که در سایه این قبیل فعالیت ها بتوانیم هر چه بیشتر شاهد اتحاد و اتفاق در جهان اسلام باشیم.

* متن سخنرانی در نشست «وحدت و همگرایی در جهان اسلام: از اندیشه تا عمل» در موسسه آینده پژوهی جهان اسلام

دشمن وحدت مسلمین را هدف گرفته است

دعوت به اسلام یا جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح بود. اگر ما واقعا همین بعد عملی دیپلماسی پیامبر را امروز در دنیا بتوانیم ترویج کنیم این شائبه هایی که علیه جهان اسلام و شخص آن حضرت است که اسلام با جنگ و شمشیر پیشرفت کرده را ما می توانیم خنثی کنیم.

هیچ گاه در اسلام از جنگ استقبال نشده و این به دلیل اهمیتی که در اسلام به نفوس انسان ها داده می شود. دیپلماسی چنین هنری دارد. حتی برخی معتقدند که اگر ما در سال های ۱۳۵۸ دارای یک وزارت امور خارجه حرفه ای و یک دیپلماسی قوی بودیم، شاید می توانستیم از وقوع جنگ تحمیلی هم جلوگیری کنیم. بنابراین هنر دیپلماسی، تلاش برای کاهش اختلافات است و وقتی که دیپلماسی در مسیر اتحاد اسلامی قرار گیرد، چنانچه به خوبی استفاده شود می تواند تقریب و تفاهم ایجاد کند.

البته دیپلماسی اتحاد اسلامی، فقط دیپلماسی رسمی نیست. دیپلماسی رسمی کار جداگانه ای دارد. در دیپلماسی رسمی به دلیل تنوع مسائل، ممکن است بحث تقریب مذاهب و اتحاد اسلامی در حاشیه قرار گیرد. البته ممکن است یکی از محورهای مذاکره باشد اما گاهی محو اصلی مذاکره نیست. البته نباید طرح موضوع وحدت اسلام در دیپلماسی رسمی ترک شود، اما باید به دیپلماسی غیر رسمی و دیپلماسی عمومی هم بپردازیم. دیپلماسی غیر رسمی یعنی نوعی دیپلماسی که هم رسمی است و طرف آن مقامات رسمی کشورها هستند، و هم غیر رسمی هست که مخاطب آن نخبگان، روشنفکران، علمای دینی و در واقع مقامات غیر رسمی و تاثیرگذار بر افکار عمومی هستند. این بخش یکی از بخش های مهم دیپلماسی عمومی هست.

ما در ایران مجمع جهانی تقریب مذاهب را داریم که سال هاست که در هفته وحدت همایش هایی را برگزار می کند که البته کار لازمی است، اما دیپلماسی آن است که ما به میان آنها برویم. ما هیئت هایی را اعزام کنیم با هدف مذاکره، با هدف معرفی مشکلاتی که بر سر راه اتحاد اسلامی وجود دارد، با هدف یافتن راه کارهایی که این اتحاد را ممکن سازد.

اوایل انقلاب هیئت هایی اعزام می شدند مخصوصا در دهه فجر برای معرفی انقلاب، این اقدام شاید به دلایل مالی، به تدریج کم شده است. شخصیت هایی مثل آیت الله تسخیری، با آن زبان گویا یا مثل مرحوم آیت الله خراسانی و شاگردانی که پرورش داده اند. اینها باید به صورت گروه های دو نفره، سه نفره، چند نفره، تحت عنوان رسولان وحدت، به کشورهای مسلمان اعزام شوند، هم با علما و تاثیرگذاران این کشورها صحبت کنند، هم در کشورهایی که امکان دارد با مقامات رسمی در مورد مسائلی که امروز در جهان اسلام برای جلوگیری از وحدت اسلامی می گذرد، صحبت کنند. باید برای مذاکره با علمای جهان، گفتمان سازی کنیم. گفتمان های مشترک را ما باید بسازیم، تا بتوانیم درباره آنها گفتگو کنیم. یکی از گفتمان ها می تواند بحث اسلام هراسی باشد. گفتمانی که در کشورهای اسلامی مشترک است، باید با آنها موجی از اسلام هراسی غرب علیه جهان اسلام را مطرح کرد. بحث تکفیری ها و قرائت خشونت باری که از اسلام دارند. این ها به عنوان گفتمان ها مطرح هستند و رسولانی که کار دیپلماسی وحدت اسلامی را انجام می دهند، باید بروند و صحبت کنند و دیگران را اقناع کنند.

مسئله فلسطین الان مهمترین گفتمانی است

های دینی و سیاسی ایجاد می شوند مثل بایبگری، مثل وهابیت و گروه های دیگری که امروز مطرح هستند. گروه های تفکیری که تفکر خاص خود را دارند. وهابیت، گروه های اخوانی که شاخه ای از سلفی گری هستند، گولن ها و فرقه های مختلف دیگری که به نحوی از سوی جهان غرب ایجاد و تقویت می شوند و هدف این است که مسلمانان و کشورهای مسلمان متحد نشوند. دامن زدن به درگیری های قومی و مذهبی که متأسفانه در بعضی از کشورها، خود مسلمانان داوطلبانه آن را پذیرفته اند و با توهین به مذهب مقابل آغاز شده و باعث ایجاد تفرقه و دور شدن مسلمانان از یکدیگر می شود. درگیری هایی که میان کشورهای مسلمان از جمله سوریه و و ترکیه، عربستان و قطر، عراق و ترکیه، پاکستان و افغانستان و موضوع هلال شیعی، باعث می شود که مسلمانان به هم نزدیک نشوند و این همان موفقیت اهداف جنگ نرم است.



یک رویکرد دیگر غرب، نخبه پروری با هدف نفوذ است. تلاش می کنند که طیفی از روشنفکران دینی در چهارچوب اهداف و مسائل خود پیورانند. جایزه هایی را طراحی می کنند، به این نخبگان داده می شود. اینها را در دنیا مطرح می کنند، داوطلبانه کشورهای اسلامی از این افراد برای سخنرانی و مشورت دعوت می کنند. کتاب های اینها در کشورهای اسلامی توزیع و تبلیغ می شود، در حالی که هدف پشت پرده پروژه نخبه پروری همان بحث ایجاد اختلاف در میان مسلمانان و جهان اسلام است.

امروز ما با این نوع چالش ها مواجه هستیم. اما چه راهکارهایی را ما باید برای مقابله با این چالش ها دنبال کنیم. راهکارهایی مطرح شده اما من امروز می خواهم به موضوع دیپلماسی اتحاد اسلامی بپردازم که این واژه، را برای اولین بار مقام معظم رهبری در دیدار با مهمانانی که برای هفته وحدت به ایران آمده بودند مطرح و فرمودند که شما باید به دنبال نوعی دیپلماسی برای ایجاد اتحاد اسلامی باشید. برای این که وارد این بحث شویم، تعاریفی که از دیپلماسی هست را خدمت شما عرض کنم. دیپلماسی بر اساس یکی از تعاریف، عاملی است برای جلوگیری از اختلاف و جنگ و ایجاد صلح. در دنیای معاصر، دیپلماسی در مقطعی که بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد، حرف اصلی آن این بود که باید جنگ ها را کاهش دهیم، اختلاف ها را کاهش دهیم و دوستی و اتحاد را بیشتر کنیم و لذا به تقویت دیپلماسی و جایگزین کردن مذاکره در مقابل منازعه نیاز داریم. ما معتقدیم در دنیای امروز هم هر جا جنگی اتفاق بیفتد حتما دیپلماسی خوب عمل نکرده است. هر جا اختلافاتی تشدید شود حتما دیپلمات ها ضعیف عمل کردند. در سیره نبوی هم می بینیم که پیامبر اکرم صلوات الله علیه هم معمولا قبل از هر جنگی، با طرف مقابل گفتگو می کردند. یعنی از نظر ایشان مذاکره مقدم بر جنگ بود. نامه هایی را می فرستادند، سفرایی را اعزام می کردند، بیش از صد نامه پیامبر اکرم (ص) نوشتند که در واقع برای

پاک آیین، سفیر سابق ایران در آذربایجان* جهان اسلام به دلیل ویژگی های سرزمینی و جمعیتی، ثروت و موقعیت اگر تبدیل به یک جهان متحد شود، برای قدرت های بزرگ حتما قابل قبول نیست و ایجاد مزاحمت می کنند و به همین دلیل است که مخالفان اسلام برنامه ایجاد تفرقه در جهان اسلام را به عنوان یک اصل در دستور کار خود قرار داده و این مسئله را دنبال می کنند.

دو تن از نو محافظه کاران امریکا به نام آقای توماس فریدمن و آقای مایکل لدین، پس از اجرای پروژه های تحقیقاتی زیاد، اعلام کردند که دنیای غرب اگر به امنیت آتی خود می اندیشد باید از هیچ تلاشی برای جلوگیری از یکپارچگی مسلمانان خودداری نکند و زمینه ایجاد این شکاف هم وجود دارد. نو محافظه کاران امریکا به دولتمردان این کشور توصیه کردند که از این به بعد از مفهوم جهان اسلام استفاده نکنید، چون مفهوم جهان اسلام در کلیت یک اتحاد اسلامی را نوید می دهد بلکه به جای آن از مفهوم مسلمانان استفاده کنید که قابلیت شکنندگی بیشتری دارد. امروز تلاش برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام یکی از عناصر جنگ نرم غرب است.

فرق هائی بین جنگ نرم و جنگ سخت وجود دارد. در جنگ سخت معمولا سرزمین ها هستند که تصرف می شوند، اما در جنگ نرم افکار و اندیشه های مسلمانان است که دچار آسیب می شود و مورد تاثیر قرار می گیرد. در جنگ سخت آسیب ها و ویرانی ها محسوس و ملموس است و با سرمایه گذاری دوباره بازسازی می شود. ولی در جنگ نرم آثار تخریب و استحاله افکار و اعتقادات در کوتاه مدت محسوس نیست و با سرمایه گذاری هم قابل جبران نیست. مسئله مهم این که در جنگ نرم انسان ها داوطلبانه می پذیرند که تحت تاثیر افکار کشور دیگر یا دیدگاهی که قصد تحمیل خود را دارد، واقع شوند. مسئله مسابقه باد و خورشید را احتمالا شنیده باشید که باد و خورشید تصمیم می گیرند با هم مسابقه بدهند، نگاه می کنند می بینند در یک پارک، کنار یک رودخانه، فردی در حال قدم زدن هست. باد به خود می نازد و می گوید که من خیلی راحت می توانم کاری کنم که این فرد لباس های خود را از تن در بیاورد. به خورشید می گوید ما می توانیم مسابقه بدهیم ببینیم چه کسی قادر خواهد بود این کار را انجام بدهد. باد خیلی خشن می وزد و بسیار طوفانی، اما این فرد مقاومت می کند به درخت ها و بوته های اطراف پناه می برد و این لباس از تن او خارج نمی شود. خورشید لبخندی می زند، دمای خود را بیشتر می کند و آن فرد داوطلبانه لباس خود را در می آورد و وارد رودخانه می شود و خود را خنک می کند. در واقع به دلیل حرکت نرم خورشید، آن فرد داوطلبانه در مسیر هدف خورشید قرار می گیرد. در جنگ نرم نیز به لحاظ فرهنگی حالا چه در بعد کلان آن در جهان اسلام، چه در بعد خرد آن در بین کشورهای اسلامی، طوری حرکت می شود که افراد کشورها داوطلبانه معیارهای غربی را بپذیرند و این شاید اصلی ترین چالشی است که در مقابل اتحاد اسلامی قرار دارد.

غرب با جنگ نرم، در دو بعد عمل می کند. اول ایجاد اختلاف میان مسلمانان از طریق ارائه اندیشه هایی که موجب تفرقه می شود و دوم تشدید اختلاف میان کشورهای مسلمان تا این کشورها متحد نشوند. چند حرکت عمده را غربی ها در همین چهارچوب جنگ نرم، علیه جهان اسلام دنبال می کنند. فرقه سازی مذهبی، سیاسی و ایجاد گروه های تروریستی شبه نظامی که در واقع با قرائت های مختلف از دین اشاعه داده می شود. برای تحقق این هدف فرقه ها و قبیله

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سردبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

کتاب «باکو و انقلاب مشروطه ایرانی» منتشر شد

کتاب باکو و انقلاب مشروطه ایرانی به قلم رسول پور زمانی، از محققان و پژوهشگران جوان تبریزی با رویکرد کشف و شناسایی زوایای جدیدی از نهضت مشروطه منتشر شد.

چاپ نخست این کتاب در شمارگان ۵۵۰ نسخه توسط انتشارات (سفیراردهال) با همکاری مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن، در سال ۱۳۹۶ به زیور طبع آراسته شده است.

«ارتباط باکو با ایران بعد از استیلای روسیه تزاری»، «تأثیرات فکری باکو برانقلاب مشروطه ایران»، «مجاهدین قفقازی و مشروطه ایران»، «تشکل‌ها و اشخاص آزادی خواه باکو و تحولات مشروطه ایران» و «مطبوعات چاپ باکو و تحولات مشروطه ایران»، عناوین فصل‌های پنجگانه کتاب «باکو و انقلاب مشروطه ایرانی» را تشکیل می‌دهند. کتاب در صفحات پایانی خود مشتمل بر تصاویری جذاب و جدید از موضوعات مطروحه و کتابنامه ای جامع از منابع و ماخذ مورد استفاده مؤلف است.

رحیم نیکبخت میکوهی، عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز و دبیر مجموعه در یادداشتی بر کتاب نوشته است: «در پژوهش‌های مربوط به تاریخ مشروطیت ایران سخن از تأثیر باکو به میان آمده است. با این حال علی‌رغم گذشت بیش از یکصد و ده سال از انقلاب مشروطه ایران و انتشار صدها کتاب و مقاله، ابعاد و میزان تأثیر باکو بر انقلاب مشروطه به درستی موشکافی و دقت قرار نگرفته و برخی مطالعات موردی هم به مباحث تاریخی جریان چپ و سوسیال دموکرات‌ها بازپرداخته‌اند. بررسی تأثیرات قفقازیه و جریان فکری بادکوبه در انقلاب مشروطه لزوماً به معنی تأیید درستی و راستی آن نمی‌تواند باشد، چه عملکرد و افکار تند و خشن مشروطه خواهی در همه موارد بازنتاب و نتیجه مثبتی نداشت و چه بسا در بحرانی تر شدن فضای سیاسی هم مؤثر بوده است.

با این حال انجام تحقیقات علمی برای تبیین این نقش و تأثیرات مثبت و منفی آن امری ضروری است. تا پیش از جنگ‌های روسیه تزاری علیه ایران، قفقازیه جنوبی بخشی از قلمرو ایران بود که در پی جنگ‌های نابرابر از مام میهن جدا گردید. علی‌رغم جدایی غمبار تا سال‌های بعد فرهنگ و هویت شیعی و ایرانی در قفقازیه جنوبی به حیات خود ادامه می‌داد لیکن با سیاست‌های ضدایرانی و ضداسلامی رفته رفته فرهنگ ایرانی در هفده شهر قفقاز کم‌رنگ گردید و با سیاست‌های خشن دوره کمونیستی با وقفه مواجه شد...

اثر فرارو با عنوان «باکو و انقلاب مشروطه ایرانی» از جمله تحقیقات ارزنده و نسبتاً جامعی است که تلاش دارد زوایا و ابعاد، نقش و تأثیر حوزه فعال سیاسی قفقاز و بادکوبه را در انقلاب مشروطه ایران با تأکید بر منابع کمتر دیده شده، به ویژه مطبوعات، مورد بررسی قرار دهد.

همایش تجلیل از معلم اخلاق آیت الله «ابراهیم امینی»



اساسی و جامعه مدزسین حوزه علمیه قم - که ایشان خود یکی از اولین پایه‌گذاران آن جامعه و نیز در برهه‌هایی، ریاست آن را عهده‌دار بوده‌اند - و نیز نهاد امامت جمعه شهر مقدس قم، همه و همه حضوری متین و اخلاقی و از سر اخلاص و انجام وظیفه، و توأم با فکری روشن، و آمیخته با مدارا و گفتگو، و همراه با جانبداری از ارزش‌های متعالی دینی و دفاع از حقوق ملت و نصیحت و خیرخواهی متولیان و متصدیان امور و نقد نابسامانی‌های اجتماعی، و بالأخره سرشار از تأیید و تقویت اصول و ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده است و انصافاً چنین حضور عالمانه‌ای در عرصه سیاست و از دست ندادن التزام به دین و اخلاق‌مداری در این صحنه خطیر، نیاز امروز همه سیاست‌مداران و فعالان در میدان پرخطر و لغزنده سیاست در کشور ماست.

نماینده ولی فقیه در استان مرکزی هم در سخنانی گفت: آیت الله امینی از شاگردان امام راحل (ره)، آیت الله طباطبایی، آیت الله بروجردی و علمای بزرگ دیگر بودند.

آیت الله «قربانعلی دری نجف آبادی» در ادامه تصریح کرد: در این ایام، شهر نجف آباد شاهد دو رویداد بزرگ و تجلیل از دو شخصیت والا بود؛ تجلیل از مقام شهید سرافراز «محسن حججی» که چراغ روشنی برای همه اربابان معرفت و جوانان با غیرت شد؛ و دوم آیین تجلیل از آیت الله امینی که اگر شاهد ظهور چنین شهدایی به برکت انقلاب اسلامی هستیم، همه پرورش یافته دامن این علما و فضلا هستند.

وی سپس در تبیین شخصیت آیت الله امینی بیان داشت: ایشان از سابقون و اولون انقلاب و نهضت امام خمینی محسوب می‌شوند و از مسائل مهمی که در رابطه با آیت الله امینی و برخی از علمای آن زمان وجود دارد، کشف شخصیت امام راحل از سال‌های ۱۳۲۰ از سوی این بزرگواران است.

آقای دری نجف آبادی ادامه داد: اینهمه عظمت انقلاب اسلامی و شهید حججی‌ها ریشه در شناسایی مرد بزرگی چون حضرت امام (ره) دارد که در زندگی تک تک ما نقش بزرگی را ایفاء کردند. در آن زمان، این بزرگواران دلباخته سخنان جذاب و انسان ساز و تأثیرگذار امام شدند و به عبارتی امام را کشف کردند.

امام جمعه اراک افزود: بعد از جنگ جهانی دوم و در دوران عجیب مکاتب و ایسم‌های غربی، جهان اسلام نیازمند پرچم دار و علمداری بود که بتواند بار دیگر حقانیت اسلام را فریاد بزند. امام راحل قم این کار را انجام داد و امروز ایران به وزنه ای در دنیای اسلام تبدیل شده است. هر یک از این علماء که پس از هزار سال با کشف امام، پرچم دار و علمدار اسلام را به جهان معرفی کردند، در این افتخار سهیم هستند.

آیت الله دری نجف آبادی در ادامه خاطرنشان کرد: بعد از دستگیری حضرت امام (ره) در سال ۴۲، مالک اشترهای زمان بودند که مرجعیت ایشان را مطرح کردند.

وی به انتخاب رهبری پس از ارتحال امام خمینی (ره) هم اشاره کرد و گفت: در سال ۶۸ و

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع). ابنا. آئین تجلیل از عالم پارسا و معلم اخلاق حضرت آیت الله «ابراهیم امینی نجف آبادی» رییس اسبق شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) پنجشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۶ با حضور جمعی از علماء، فضلا و شخصیت‌های دینی و فرهنگی در زادگاه ایشان برگزار شد.

آنچه در پی می‌آید گزارشی از این مراسم است:

آیت الله حسین مظاهری در پیامی به «آیین تجلیل از عالم پارسا و معلم اخلاق آیت الله ابراهیم امینی»، نجف آباد را شهر علم، ایمان و جهاد، و آیت الله امینی را شخصیتی نمونه و افتخارآمیز خواند.

در بخشی از پیام آمده است:

نجف آباد، شهر علم، ایمان و جهاد، همواره، عالمانی بزرگ و مردانی مؤمن و مجاهدانی با اخلاص را در دامن خود پرورش داده و از این جهت، تاریخی پرافتخار را برای خود به ثبت رسانیده است. بی‌شک یکی از این چهره‌های مبرز و درخشان، عالم پارسا و معلم اخلاق حضرت آیت الله آقای حاج شیخ ابراهیم امینی «دامت برکاته» می‌باشند که بقیة السلف علماء عظام و تربیت یافته اساتید اعلام و خود، بحمدالله عالمی مجاهد و شخصیتی متخلق و چهره‌ای مطرح در حوزه علمیه قم و نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند که عمر با برکت ایشان، یکسره در خدمت عالمانه و مخلصانه به اسلام و انقلاب اسلامی و ترویج دین و اخلاق و استوار ساختن عقائد و انگیزه‌های اهل ایمان سپری گشته است.

وجاهت علمی این عالم بزرگوار در کنار شخصیت متین و اخلاقی ایشان و روشن‌نگری در مسائل گوناگون و روحیه اعتدال و انصاف در امور، باعث شده است تا همواره جایگاه ایشان چه در حوزه علمیه و چه در صحنه اجتماع و چه در میدان سیاست، جایگاهی برجسته و مقبول خاص و عام، بوده باشد.

در کارنامه فعالیت‌های علمی و فرهنگی این عالم عامل، افزون بر استفاده مدید از محضر اعظم حوزه‌های علمیه قم و اصفهان، هم نگارش آثار مفید و متعدد در حوزه فرهنگ اسلامی، خصوصاً اخلاق و تربیت و عقائد، چشم نواز است و هم تلاش‌های متکثر و متنوع تبلیغی در کشورهای مختلف جهان و مجامع گوناگون داخلی و بین‌المللی، به منظور تأمین نیازهای فرهنگی و ابلاغ پیام دین و ارائه چهره منور اسلام به شکل پرشماری جلوه‌گراست، و از این حیث این شخصیت فرهیخته را باید به مصداق آیه شریفه «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» یکی از اسوه‌های مبرز و با اخلاص تبلیغ در عرصه دین و معارف والای اسلامی نیز به شمار آورد.

ارتباط مستمّر ایشان با توده‌های مردم و روحیه مردم‌داری و حضور فروتنانه در اجتماع و معاشرت بی‌آلایش این عالم زاهد با طبقات مختلف، پیوسته یکی از نقاط برجسته منش و روش اخلاقی این معلم اخلاق و مایه استوار ساختن اعتقاد مردم و ترویج ادب و اخلاق در جامعه اسلامی بوده است. در صحنه سیاست نیز، ایشان در زمره سابقون اولون از مجاهدان راه حق و از اولین پیوستگان به صف یاران ثابت قدم امام راحل عظیم‌الشان «قدس سره الشریف» بوده و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نیز نقش ایشان در جای جای تصمیم‌گیرهای مهم درون نظام جمهوری اسلامی، نقشی برجسته ولی بی‌هیاهو و بی‌هیچ ادعا بوده است.

حضور عالمانه و باوقار ایشان در مناصب بسیار با اهمیت کشور از مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام گرفته تا شورای بازنگری قانون